

# کارگران - اسطوره‌های سرنوشت ساز ورهای بخش از وابستگی‌ها

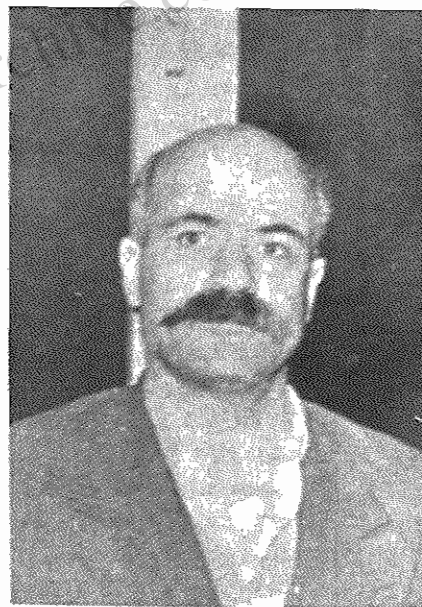
صفحه ۴



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰۹ - دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰  
مطابق با ۶ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

## بمناسبت سالگرد شهادت

# خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



«من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلق‌های ایران در درون سینه‌ام شعله می‌کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده‌ام و باید اذعان کنم که: جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلول‌های بدن من و تمام ذرات وجودم، توده‌ایست.»

این صدا ۲۳ سال پیش، شاه جلاد را، که میخواست بردریای خون توده‌ها، و پیشاپیش آنها توده‌ای‌ها، تخت سلطنت فنگین خود را استوار سازد، به لرزه انداخت. این خروش مقاومت توده‌ها و حزب آنها بود که از دهان رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، فریاد روشن را نوید می‌داد.

روزبه ستارهای بود که در همان آغاز شب خوفناک «آریامهری» که سلطه خویش را ابدی می‌پنداشت، بر ظلمت آن زخم زد و در پرتو خویش، طلوع خورشید آزادی را نوید داد. رفیق شهید خسرو روزبه، در آغاز درندگی تاریخ ایران، در آغاز درندگی «آریامهری»، ۴ سال تمام در تشکیلات مخفی حزب توده ایران با دشمن رزمید. روزبه، هنگامیکه دستگیر شد، شکنجه‌گاه و سپس بیدادگاه رژیم دست‌نشانده رابه صحنه مبارزه تازه‌ای تبدیل کرد.

روزبه با صلابت کلام، از مین خود، از حزب خود و از عقاید خود در بیدادگاه شاه ملعون دفاع کرد:

«... من به عقاید پای‌بندم، نظرات سیاسی‌ام را مقدس می‌شمارم، به عهد و سوگند خود وفادارم و به امضای که زیر آنکت حزب توده ایران کرده‌ام، احترام می‌گذارم و هرگز بخاطر جلب منفعت و یا دفع خطر، پیمان خود را نمی‌شکنم.»

روزبه قهرمان، در دفاعیات خود رژیم «آریامهری» را به محاکمه کشید و در دفاعیه خود حکم محکومیت شاه ملعون و رژیم دست‌نشانده‌اش را صادر کرد، و آنگاه رسماً از دادستان تقاضای صدور حکم اعدام خود را نمود. رژیم شاه ملعون، چنانکه شیوه همه ستمکاران تاریخ است، پنداشت که با تیرباران روزبه، او خواهد مرد، از اینرو حکم اعدامش را صادر کرد. وقتی حکم دادگاه را خواندند، روزبه

## داستان «کروپ» و «تالبوت» چیست وبکجا می‌تواند منتهی شود؟

طاغوت، یکی از اشکال وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد امپریالیستی آلمان فدرال بود. اینک در ایران انقلابی، همانطور که در زمینه‌های دیگر به سلطه انحصارات امپریالیستی خاتمه داده شده و می‌شود، به سلطه‌عظیم‌ترین سرمایه‌های انحصاری امپریالیسم آلمان فدرال نیز باید پایان داده شود. این امر مستلزم استرداد قرضه‌های ایران از «کروپ»، فروش سهام آن و پایان دادن به رشته‌های نامرئی سلطه غارتگرانه آن بر اقتصاد ایران انقلابی است.

متأسفانه نتایج که تاکنون از سفر آقای توربخش اعلام شده، نه فقط یاس‌آور، بلکه نگران‌کننده است. روزنامه‌های اطلاعات (۲۰۲۱۶) در خبری که به نتایج سفر معاون وزارت اقتصاد و دارائی به آلمان فدرال اختصاص داده، می‌نویسد:

«این سفر به منظور شرکت در جمع سالانه کمپانی «دویچه بقیه در صفحه ۴»

از سفر اخیر دکتر توربخش، معاون وزارت امور اقتصاد و دارائی به آلمان فدرال، انتظار میرفت که تکلیف ایران با کمپانی مافوق ملی «کروپ» معلوم شود.

خرید سهام «کروپ» از جانب دولت ایران در رژیم

## نامه وزارت کشور به دادستانی کل انقلاب اسلامی درباره واگذاری دفاتر حزب توده ایران

پس از انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه‌هایی به مراجع مختلف دولتی و قضائی، از جمله وزارت کشور، خواهان استرداد دفاتر حزب توده ایران شد.

در پاسخ نامه‌های حزب توده ایران به وزارت کشور، سرپرست اداره کل سیاسی وزارت کشور نامه‌ای به شماره ۳۱۵۹۴۳، بتاریخ ۲۰۲۱۰، به دادستانی کل انقلاب اسلامی نگاشته و رونوشت آنرا جهت اطلاع برای حزب توده ایران ارسال داشته است، که در زیر عین آنرا میخوانید:

دادستانی کل انقلاب اسلامی

حزب توده ایران ضمن نامه شماره ۱۲۰ مورخ ۲۱/۲/۶۰ و نامه مورخ ۲۲/۲/۶۰ که فتوکپی آنان پیوست مییابند تقاضای تحویل دفاتر خود را نموده است. با توجه به اطلاعیه ماده‌ای آن دادستانی چنانچه حزب مذکور شرایط ارائه شده را عملاً بپذیرند واگذاری دفاتر حزب در صورتیکه از اموال عمومی یا اموال فراریان یا مجهول‌المالک نباشد از نظر وزارت کشور بلامانع است.

۳۱۵۹۴۳

۲۰۲۱۰

سرپرست اداره کل سیاسی

حزب توده ایران - عطف به نامه فوق‌الذکر جهت اطلاع (صندوق پستی ۴۱۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران)

\*\*\*

لازم به یادآوری است که:

اولاً حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی را تأیید کرد. ثانیاً خانه حزب توده ایران اجاره‌ای است، مالک خانه معلوم و در تهران است و کرایه خانه هم، با اینکه در اختیار حزب توده ایران نیست، به مالک خانه پرداخت میشود. لذا باریکری از دادستانی کل انقلاب اسلامی و دادستانی انقلاب اسلامی در مرکز و در تمام شهرستانها انتظار داریم که - همانطور که در نامه‌های حزب توده ایران به این مراجع نیز آمده است - برای بازپس‌دادن دفاتر حزب توده ایران و «نامه مردم» اقدام کنند و بدینوسیله فعالیت قانونی و آزاد حزب توده ایران را، که فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، تأمین و تضمین نمایند.

## تحریکات ضد انقلاب در نقده شدت می‌گیرد

● مزدوران بانده قاسملو - صدام حسین - اویسی بر شدت عملیات خود افزوده‌اند.

۱- افراد مسلح بانده قاسملو به افراد سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و ارتشی در روستای داره‌لک حمله کردند. بنا بر اطلاعات موق، در این حمله افراد اویسی و نیروهای باصطلاح ارتش آزادیبخش ایران (ساواکیها) و ضدانقلابیون فراری نقش فحالی داشته‌اند.

۲- به شهادت رسانیدن تعدادی بقیه در صفحه ۷

در ۲ روز گذشته:

## ۷ انبار مهمات و چند تانک دشمن نابود شد

رزمندگان انقلاب در جبهه‌های نبرد علیه تجاوزگران صدامی، طی ۲ روز گذشته به پیروزی‌های جدیدی دست یافتند. در جریان این نبردها، ۳ تانک، ۷ انبار مهمات، ۴ کامیون حامل مهمات و تعدادی از افراد دشمن نابود شدند.

اطلاعیه شماره ۴۹۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در این مورد حاکیست که در جبهه قوسمان، رزمندگان نیروی زمینی مواضع دشمن را بمباران کردند.

بقیه در صفحه ۴

## از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

## برای شکوفایی اقتصاد کشور

اقتصاد کشور ما در تمام دوران چنددهه‌ساله تسلط امپریالیسم و همدستان‌پرانی، یعنی خاندان پهلوی، بزرگ‌مالکان و کلان-سرمایه‌داران وابسته، به‌طور مشخص در جهت تأمین منافع اقلیت ممتاز و حداکثر غارتگری انحصارهای امپریالیستی و وابستگی‌شان در ایران تکامل یافته و با هزاران زنجیره اقتصاد جهان امپریالیستی وابسته است. بی‌آمد چنین سیاست خائنه‌ای این است که ما امروز شاهدش هستیم.

میبین ما ایران از لحاظ ثروت‌های طبیعی به‌درستی در فهرست غنی‌ترین کشورهای جهان جای دارد. کافی است در این چهارچوب اشاره شود که با آنکه منابع نفتی به‌وسیله کسرسیوم خون‌آشام امپریالیستی غارت می‌شود، تنها در ۵ سال قبل از بقیه در صفحه ۴

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# دشنام و افترا به حزب توده ایران به «جرم» دفاع از انقلاب!

پار دیگر روزنامه «میزان» در شماره سه شنبه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۶۰، يك ستون خود را به دشنام و افترا علیه حزب توده ایران اختصاص داده است. این بار فرد ناشناسی، باسم محمدتقی عالمی، که «میزان» او را «حجت الاسلام» معرفی کرده، به حزب توده ایران دشنام داده و افترا زده و دفاع افلاقی آن را از جمهوری اسلامی ایران «چاپلوسی» نامیده است. در شان ما نیست که به دشنامها و افتراهائی که تکرار یابوهای ساواک است، جواب بدهیم. اما آنچه باید ذکر کرد، محتوای واقعی مطلب است، که در واقع دشنام و افترا به حزب توده ایران، فرع آن قرار میگیرد. نویسنده مطلب، ظاهراً به اصطلاح «چاپلوسی» ما را در برابر جریان انحصارطلب محکوم کرده، ولی در واقع دفاع ما را از انقلاب محکوم کرده است. نویسنده نامه و روزنامه منتشرکننده آن، که ظاهراً از سینه چاکان «آزادی» هستند، بویژه از این

نکران و ناراحتانده که بیک حزب انقلابی چون حزب توده ایران، امکان محدودی برای فعالیت قانونی داده شده است. آنها با این ابراز نگرانی و ناراحتی، نه فقط مخالفت خود را با فعالیت آزاد و قانونی نیروهای انقلابی آشکار میکنند، بلکه ماهیت «آزادی» مورد ادعای خود را نیز نشان میدهند، که چیزی جز صاف کردن جاده برای ضدانقلاب نیست، ضدانقلابی که اگر موفق شود، فاشیسم را در میهن ما مستقر خواهد کرد. و سرانجام باید بهمه دشنام گویان و افترازان به حزب توده ایران برای هزارمین بار گفت که توده ایها چهل سال است زیر رگبار گلوله و شکنجه و دشنام و افترای امپریالیسم و ارجعاع، برای استقلال، آزادی و ترقی میهن خود، بقیمت خون گروهی از بهترین فرزندان خلق، بیکار می کنند. چنین حزبی را اگر با گلوله و شکنجه نتوان از میدان بدر کرد، با دشنام و افترا بطریق اولی نمیتوان!

## داستان کروپ...

بقیه از صفحه ۹  
بابتکوک، که ایران سهامداران است، صورت گرفت... با مقامات کمپانی «کروپ» نیز مذاکره و تبادل نظر شد. براساس این مذاکرات قرار شد ایران نیازهای صنعتی و تخصصی خود را در درجه اول از امکانات این کمپانیا تامین کند. «اطلاعات» اضافه می کند: «بنا به گفته معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی، قرار است در آینده يك گروه کار شامل نمایندگان وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن، صنایع، نیرو، کشاورزی، راه و ترابری برای بررسی امکانات موجود این کمپانیا تشکیل شود.» چنانکه می بینیم، نه فقط مسئله پایان دادن وابستگی ایران به سرمایه های انحصاری امپریالیستی آلمان فدرال، و در این مورد مشخص خاتمه دادن به سلطه «کروپ» بر اقتصاد ایران، مطرح نیست، بلکه حتی صحبت از ادامه این روابط و «در درجه اول» قرار دادن استفاده ایران از «امکانات» گروه «کروپ» مطرح است.

اقتصاد ایران مطرح است. همزمان با سفر معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی، خسر معامله ۱۲ میلیارد پوندی بین «ایران ناسیونال» و کمپانی مافوق ملی انگلیسی «تالیوت» در جراید منتشر گردید. در این زمینه نیز، با وجود نگرانی افکار عمومی، تاکنون توضیح قانع داده نشده است. بنا اینحال نمیتوان پنهان داشت که صحبت بر سر «یکی از بزرگترین سفارشات صادراتی است» که تا بحال يك کمپانی انگلیسی بدست آورده است. در این معامله، مبلغ آن، که خود رقم نجومی است، کمتر مطرح است، تا اصل آن، که حداقل برای پنج سال دیگر صنایع اتومبیل ایران را وابسته و بصورت موتاز نگاه خواهد داشت.

است و با ویژگی های سیاست اقتصادی دولت انقلاب ارتباط پیدا می کند. اگر دولت انقلاب به اجرای سیاست اقتصادی رهائی اقتصاد ایران از سلطه انحصارات امپریالیستی اعتقاد دارد، (که ما به چنین اعتقادی باور داریم) در آسودگی باز کردن کانالهایی نظیر نفوذ «کروپ» و «تالیوت» در اقتصاد ایران، بدست هر کسی صورت گرفته باشد، خطر جدی برای اجرای این سیاست بوجود می آورد. معامله با «تالیوت» و ابقاء روابط گذشته با «کروپ» اساسی و بنیان سیاست اقتصادی رهائی اقتصاد ایران از سلطه سرمایه های غارتگر انحصاری امپریالیستی را متزلزل می سازد و می تواند به تجدید وابستگی کشور ما منتهی شود. لذا این مسئله ای نیست که بتوان نسبت به آن بی اعتنا باقی ماند.

جالب اینکه وزیر صنایع و معادن نیز بجای روشن ساختن زوایای مبهم معامله بر سر و صدای «ایران ناسیونال»، پراژ تشکیل جلسه هیئت دولت، تقریباً با همان لحنی از این معامله یاد کرده است که اکنون آقای نوربخش در مورد «کروپ» اظهار می کند. روزنامه ها از قول آقای وزیر صنایع و معادن نوشتند: «وزیر صنایع و معادن ضمن برشمردن عملکرد شرکتها و کارخانجاتی که نیاز به ورود قطعات یدکی از خارج دارند، معامله اخیر کارخانجات ایران ناسیونال را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد...»

آرمان رهائی از سلطه انحصارات امپریالیستی از بنیانهای اصلی اساسی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است. باید با قطع رسته های باقیمانده نامرئی وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد امپریالیستی، باور مردم انقلابی را به استواری انقلاب پارور ساخت، نه اینکه با انجام مہاملاتی که خطر احیاء نفوذ و سلطه انحصارات امپریالیستی در اقتصاد ایران را دربر دارد، در مردم نسبت به اجرای یکی از محترترین خواست های خود، که استقلال اقتصادی است، ایجاد شک و تردید کرد. این بزبان جدی انقلاب است.

ظواهر مسئله چندان مهم نیست و صحبت فقط بر سر معاملات ایران با دو کمپانی مافوق ملی آلمان غربی و انگلیسی است، اما در واقع موضوع بسیار جدی زمینهای پهناور قابل کشت و زرع، امکانات عظیم برای دامداری و دامپروری یعنی همه و همه عواملی که برای شکوفائی اقتصاد ضروری است، در میهن ما وجود دارد. ولی ما شاهد آن هستیم که در نتیجه تسلط جابرانه امپریالیسم غارتگر و سرسپردگانش، امروز میهن ما حتی برای سوزن و میخ و نان و گوشت و پنیر و هزاران مایحتاج کوچک و بزرگ دیگر دستش به سوی بازارهای امپریالیستی دراز است.

در حال مردم ایران در انتظار آگاه شدن از مسائل فوق هستند که وعده آن نیز از جانب مقامات دولتی داده شده است.

## برای شکوفائی...

بقیه از صفحه ۹  
انقلاب بیش از یکصد میلیارد دلار از فروش نفت به مارسید که آن خود سهم کوچکی از ارزش واقعی نفت غارت شده بود. این خود سهم کوچکی از ثروت های عظیم ملی است که می توان برای رشد اقتصاد مورد بهره برداری قرارداد. مردم کشور ما از لحاظ فرهنگ ملی، استعداد، ابتکار و پشتکار در قیاس با هیچیک از ملت های دیگری کمبودی ندارند. نیروی انسانی و ثروت های طبیعی مسا

## بمناسبت سالگرد...

بقیه از صفحه ۹  
چشمائی را ببندند. خسرو روزبه مانع این حرکت شد و با صدای رسا گفت: جوخه گوش بفرمان من! سرهنگ جاوید پورخواست این صدا را محو کند، ولی نتوانست. روزبه با صدای رسا و غیر قابل انتظار فریاد کشید: - مرگ بر شاه خائن!  
- زنده باد حزب توده ایران!  
در همین موقع رگبار گلوله به سوی بیکر دلورش سرازیر شد.

و باین ترتیب، رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، شقایق سوزان جان خویش را در راه انقلاب برین کرد. و طولی نکشید که فریاد «مرگ بر شاه» به شعار اصلی خلق مبدل شد و بساط تفکین سلطنت را به زباله دان تاریخ افکند. و همراه آن فریاد «زنده باد حزب توده ایران»، همواره بر دهان هزاران توده ای جاری است، که در سنگرهای رزم و ایثار، می رزمند، تا راه رفیق شهید قهرمان خود را به پایان برسانند.

اکنون نسل نو توده ای، دست در دست نسل کهنسال توده ای، با خاطره رفیق شهید میثاق می بندند که دوشادوش خلق، تا پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران برزنند و امروز در بیست و سومین سال تیرباران خسرو روزبه، در جان عاشق هر توده ای، يك روزبه قد پسر می افزاید و فتح فردا را نوید می دهد.

و ماه اردیبهشت، تنها نسام خسرو روزبه را بعنوان شهید توده ای در سینه خود حک نکرده است. در این ماه رفقا کوچک شوشتری (۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳) و ارطغرل سالخانیان (۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳) رحیم شیخ زاده (۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۲) اقدام دوست، نیکخواه، محبت خواه، محدودپور، بلندی (۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۳) ابراهیم مفتاح (۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۷) گلالتیری، فروغی، زهتاب، چایان و عظیم زاده (۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹) جان خویش را نثار خلق و انقلاب کرده اند. در این ماه همچنین سالکشت فتدان رفقا عبدالحمین نوشین (۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰) و محمدعلی افراشته (۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۸) خارخه آنها را در یادها زنده می دارد.

حزب توده ایران درود خود را نثار همه این رفقای رزمنده می کند و یادشان را گرامی میدارد.

بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم جهانی است و راه نجات از این وضع فلاکت یار تنها در پایان دادن به اقتصاد نیمه فئودالی و سرمایه داری وابسته است. تاریخ تمام آن کشورهای دجبان سوم، که در جاده شوم رشد سرمایه داری افتاده اند، و تاریخ کشور خودمان، به روشنی بی سرانجامی و ناتوانی این راه رشد را برای چیره شدن بر عقب ماندگی تاریخی تأیید کرده است. تنها سمت گیری در راه رشد غیر سرمایه داری، یعنی پایه ریزی اقتصاد مردمی، اقتصادی که هدفش

## محمد زهوی

# شهید رشید

بر خاک مرد هستی  
گر اهل درد هستی  
یکدم

- میان این همه غوغا -

سکوت کن.

آزاده وار زیست  
آزاده وار مرد  
با زندگی،  
مبارزه را آموخت  
با مرگ،  
بایمردی ایمان را.  
این است کارنامه مردی که «مرد» بوده

در سالهای سخت،  
یادش چراغ روشن ما بوده  
او در سپیده دم،  
با هر شهید،  
تیرباران می شده  
هر شب زینت بند،  
با هر اسیر بیدار،  
فریاد می کشید.  
او در میان صف بود  
با ما بود.  
با ما بهار را می خواست،  
با ما شادی را،  
با ما بهار خرم آزادی را ...

اینک،  
روز به است،  
امید روز بهتر هم با ما.  
اینک بهار شادی  
جای تو، ای شهید رشید - امروز -  
اینک بهار خرم آزادی  
خالی است.

اردیبهشت ۱۳۵۸

☆ در نخستین بهار آزادی، بر گورگاه خسرو روزبه، خوانده شد.

## تصحیح

در شماره ۵۰۸ «نامه مردم» در مقاله «با اقتصاد شوروی - قضتین و بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان آشنا شویم» در جدول تولید فرآورده های دامپروری، واحد ارقام تولید تخم مرغ میلیارد داده است، که بغلط هزار داده چاپ شده است. در شماره ۵۰۸ «نامه مردم» در مقاله «انتخابات مجلس نمایندگان در برلین غربی» معادل آلمانی منع کار بغلط «بزوخر فریوت» چاپ شده، که درست آن «فریوت فریوت» است.

و نیز يك توپ ۱۳۰ میلیتری آسیب وارد آمد. در نبردهای ۲ روز گذشته، رزمندگان انقلاب همچنین موفق شدند حمله چند فرزند هواپیمای دشمن به شهرهای غرب و جنوب را خنثی کنند. تجاوزگران صدامی در مقابل ضرباتی که در جبهه های نبرده آفان وارد شده، مناطق مسکونی شهرهای سردشت، دزفول و آبادان را مورد حمله قرار دادند. در جریان حمله هوایی به آبادیهای سردشت، که روز ۱۷ اردیبهشت صورت گرفت، ۲۵ نفر شهید و ۳۰ نفر زخمی شدند. در حمله های مشابه ارتش صدامی به شهرهای دزفول و آبادان نیز تعدادی از منازل مسکونی ویران شد.

## ۷ انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۹  
زیر آتش گرفتند، که در نتیجه آن تعدادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی و نیز يك انبار مهمات دشمن منهدم شد. در یکی از جبهه های غرب دزفول نیز بر اثر حمله رزمندگان انقلاب به فریوت های دشمن، ۳ تانک، ۴ انبار مهمات و يك کامیون حامل مهمات ارتش صدام به آتش کشیده و منهدم شد. در این عملیات تعدادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. در جبهه دیگری در همین منطقه، رزمندگان انقلاب با اجرای آتش سنگین توپخانه و خمپاره انداز، ۲ تانک دشمن را از کار انداختند و يك انبار مهمات آنانرا نابود کردند. در همین عملیات يك سنگر تیربار و يك موضع خمپاره انداز دشمن را به آتش کشیده و ۲۰ نفر از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسیدند. در جبهه های آبادان و خوزین شهر بر اثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی، ۲ کامیون حامل مهمات، در خودرو، ۲ پستای دیده بان، يك سنگر تیربار و يك سنگر بتونی دشمن نابود شدند. در عملیات مشابهی در منطقه فار، ۲ سنگر اجتماعی و انفرادی، يك موضع آرپی. جی، ۷، يك انبار مهمات و يك محل تجمع دشمن نابود شد. و به تعدادی از تانکها

و پیشرفته را برپا کرد.



# سیاست همزیستی مسالمت آمیز

## چگونه سیاستی است؟

سیاست همزیستی مسالمت آمیز را هنوز برخی به غرض و برخی نیز به دلیل برخورد سطحی به مفاهیم لغوی "همزیستی" و "مسالمت آمیز"، سیاستی آشتی جویانه و حتی سازشکارانه تعبیر می کنند، که گویا بین سوسیالیسم و امپریالیسم، بین "دو ابر قدرت" شوروی و آمریکا برقرار شده و یا از هر دو سو درصدد و در تلاش برقراری آنند. مغرضین را نمی توان علاج کرد، ولی برای رفع سوء تفاهم از بی غرضان، به نظر می رسد که می بایستی بار دیگر مضمون و خطوط اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را، ولو به اختصار، توضیح دهیم.

### سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاست صلح است

سیاست همزیستی مسالمت آمیز و خطوط اساسی آن را لنین تدوین کرد. این سیاستی است که در تمام مدت ۶۳ ساله موجودیت اتحاد شوروی، مبنای اصولی سیاست خارجی این کشور بوده است و در آینده نیز خواهد بود.

پس از جنگ دوم جهانی و پیدایش دیگر کشورهای سوسیالیستی، این سیاست مورد پذیرش و اجرای سایر کشورهای سوسیالیستی نیز قرار گرفت. با تلاش سیستم مستعمراتی امپریالیسم با اعتلاء و گسترش جنبش های آزادی بخش و استقلال طلبانه و پیدایش کشورهای مستقل، خطوط عمده این سیاست از سوی کشورهای مستقل در "جهان سوم" نیز پذیرفته و به موقع اجرا گذارده شد. همزیستی مسالمت آمیز اکنون سیاستی است که، در سطح جهانی، دایره عمل خود را در مقابله با امپریالیسم همواره گسترش میدهد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاستی سازشکارانه، یا سیاستی منفعل و یا سیاستی واکنشی نیست. برعکس، این سیاستی است رزمنده، فعال، پرابتکار و جوشان، در جهت مهار کردن سیاست تجاوزگرانه، سلطه جویانه، اسارتگر و غارتگرانه امپریالیسم.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز، قبل از هر چیز سیاست صلح، سیاست جلوگیری از جنگ است. این سیاست مبتنی بر این اندیشه های تئوریک تدوین شده که، اولاً "سرشت امپریالیسم تجاوزگرانه و جنگ طلبانه است، که جنگ تجاوزگرانه به زبان خلقها و زحمتکشان سراسر جهان و فقط به سود انحصارات امپریالیستی است، که با جلوگیری از جنگ های تجاوزی امپریالیستی دامنه جنبش های رهایی بخش خلقها بهتر و بیشتر گسترده می شود، که در شرایط صلح، رشد جنبش کارگری و مبارزه خلقها در کشورهای رشد یافته سرمایه داری علیه انحصارهای امپریالیستی و حکومت آنها بهتر و بیشتر تامین می شود، که ثانیاً انقلاب به زور و به وسیله جنگ صادر شدن نیست، که در سایه صلح می توان شکوفائی هرچه سریع تر سوسیالیسم را تامین کرد و برتری آن را بر نظام سرمایه داری رشد یافته، در تمام زمینه ها، در معرض دید همه خلقها قرار داد، که صلح متحد سوسیالیسم در مبارزه علیه امپریالیسم است.

تا اواخر سال های ۱۹۵۰، که امپریالیسم نسبت به سوسیالیسم نیروی برتر بود، اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز از سوی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای نوجوان

سوسیالیستی جنبه "تدافعی" داشت، به این معنی که، سیاست همزیستی مسالمت آمیز می کوشید، تا آنجا که ممکن است، از در گرفتن جنگ جلو گیری کند، و تا آنجا که ممکن است، مدت صلح را درازتر نماید. ولی در نیمه دوم سال های ۵۰، تناسب نیروها، به مقیاس جهانی، به سود صلح و به زیان جنگ تغییر کرد. عمیق علمی نشان داد که روند تغییر و تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم هم چنان و با سرعت همواره بیشتری ادامه خواهد یافت، بحران عمومی سرمایه داری شدت روز افزونی خواهد گرفت، دامنه جنبش کارگری و مبارزه زحمت کشان در کشورهای امپریالیستی گسترش بیشتری خواهد یافت، جنبش های آزادی بخش ملی برای رهایی از یوغ امپریالیسم با شتاب همواره بیشتری در "جهان سوم" توسعه خواهد پذیرفت، جنبش صلح - مبارزه عمومی برای جلوگیری از درگرفتن جنگ جهانی، که جنگ هسته ای - موشکی جهان سوزی خواهد بود، در سطح جهان گسترده تر و ریشه دارتر خواهد شد. نتیجه گرفته شد که: اکنون دیگر نه فقط می توان از گسترش جنگ جهانی برای مدتی جلوگیری کرد، بلکه اساساً امکان جلوگیری از جنگ جهانی بوجود آمده است. جنگ جهانی دیگر اجتناب ناپذیر نیست. علی رغم سرشت تجاوزگرانه و سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم، امکان حفظ صلح بوجود آمده و می توان و باید این امکان را تحقق بخشید.

بر این مبنای سیاست همزیستی مسالمت آمیز به مرحله نویسی کام گذارد و از "تدافعی" به "تعرضی" پرداخت. هدف اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز تحمیل صلح به امپریالیسم جنگ طلب و جنگ افروز قرار گرفت. "یورش" سیاست تشنج زدائی، "یورش بر "جنگ سرد"، بر سیاستی که جان فوستر دالس - وزیر امور خارجه آمریکا - آن را تدوین و خودش آن را سیاست "حرکت بر لبه پرتگاه جنگ" توصیف کرده بود، آغاز شد. مواضع جنگ سرد در اروپای غربی شکست برداشت، متحدین "نااتوئی" آمریکا از شرکت مستقیم در جنگ تجاوزی آمریکا در ویتنام خودداری کردند، کار به آنجا رسید که نیکسون، جنگ طلب هاری که روزی می خواست مردم شوروی را از "بردگی کمونیسم" نجات دهد، به مسکوفت و زیر سندی را امضا کرد که طبق آن، دولت ایالات متحده آمریکا متعهد به رعایت و اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات خود با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد؛ پس از یک مبارزه دراز مدت، سرانجام در "کنفرانس هلسنیکی"، روسای دولت های ۱۳ کشور اروپایی، به اضافه آمریکا و کانادا، به تاریخ اول اوت ۱۹۷۵ (۱۵ مرداد ۱۳۵۴) زیر "سند نهائی هلسنیکی" را امضا کردند و با این امضا متعهد شدند که مناسبات خود را با یکدیگر، بر مبنای اصول مصوح در این سند، که همان اصول همزیستی مسالمت آمیز است، برقرار کنند.

دولت امپریالیستی تجاوزگر آمریکا - مشهور به "ژاندارم بین المللی" (و نیز برخی از متحدان او، نظیر انگلستان و دیگران) زیر این سند را به طیب خاطر امضا نکردند. آنها مجبور به امضا آن شدند. جرالد فورد - رئیس جمهور وقت آمریکا - قبل از حرکت به سوی هلسنیکی، نطقی در تلویزیون ایراد کرد. او در این نطق از "مردم آمریکا"

(بخوان: از هارترین محافل جنگ - طلب امپریالیستی) عذرخواهی کرد که میباید به انجام چنین سفری می انکند و "سند نهائی هلسنیکی" را امضا خواهد کرد. "سند نهائی هلسنیکی"، مانند آبی که در لانه عقرب ریخته شود، تمام محافل تجاوزگر و تشنج طلب و جنگ افروز امپریالیستی را به جنب و جوش افکند. امپریالیسم، که زمین را زیر پای خود لرزان دید، بسر - کردگی امپریالیسم آمریکا، مجدداً به تلاش افتاد، تا جهان را به دوران "جنگ سرد" بازگرداند. کارتر برای دفع "خطر" همزیستی مسالمت آمیز، هر چه در توان داشت، انجام داد. اقدامات متعددی در جهت تیره ساختن مناسبات با اتحاد شوروی از سوی دولت آمریکا صورت گرفت. مجلس سنای آمریکا تصویب موافقت نامه "سالت ۲" را، که گام دیگری در جهت مهار مسابقه تسلیحاتی در زمینه اسلحه استراتژیک بود، "معلق" کرد. و اینک دولت ریگان سیاست تشنج فزائی و تازاندن مسابقه تسلیحاتی و تهدید به جنگ را دنبال می کند.

ولی همه اینها تلاشی است مذبحانه، تقلائی بپر تیر خورده ای است که خطرناک است، ولی قدرت بی خطر کردن او وجود دارد. سیاست تشنج فزائی و جنگ افروزی امپریالیستی دیگر، راه دوری نمی تواند برود. برتری نیروی صلح و تفوق سیاست همزیستی مسالمت آمیز بر گشت پذیر نیست. امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، "هیچ غلطی نمی تواند بکند".

### اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز

عدم توسل به جنگ و به نیروی مسلح و یا تهدید به اعمال قهر مسلح برای تحمیل اراده و یا برای "حل اختلافات" بین دولت ها، حل اختلاف بین دولت ها از طریق مذاکره مبتنی بر حسن نیت، شناخت تمامیت و مصونیت ارضی هر کشور از طرف دیگر کشورها، احترام بی خدشه به حق حاکمیت هر خلق در کشور خود از سوی دیگر دولت ها و عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، برقراری مناسبات بین دولت ها بر مبنای حقوق کامل برابر و سود و صرفه متقابل - عادلانه - اینها اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز است که در قطب مقابل اصول سیاست امپریالیستی قرار دارند.

توسل به اعمال قهر مسلح و یا تهدید به اعمال آن برای تحمیل اراده بر دیگر کشورها و برقراری سلطه در آنها، تحریک و تشویق به جنگ به عنوان وسیله حل اختلافات بین دولت ها (جدائل برای ایجاد بازار فروش اسلحه مقید به شروط سیاسی، و از این طریق رهگشائی برای سلطه گری)، مذاکره از موضع زور، نقض تمامیت و مصونیت ارضی هر کشور، در هر زمانی که سلطه جویی امپریالیسم طلب کند، بی اعتنائی به حق حاکمیت خلقها و مداخله توطئه گرانه در امور داخلی هر کشور، برقراری مناسبات نابرابر و غارتگرانه با دیگر کشورها تا حد تاراج هست و نیست آنها - اینهاست اصول سیاست امپریالیسم که در قطب مقابل سیاست همزیستی مسالمت آمیز قرار دارند.

این دو سیاست، سیاست امپریالیستی و سیاست همزیستی

مسالمت آمیز، در قطب مقابل یکدیگر قرار دارند، هیچ گونه سازشی بین آنها ممکن نیست، با یکدیگر در سطح جهان در نبردند.

### حق خلقها در تعیین سرنوشت خود

هر خلقی حق دارد که سرنوشت خود را خود تعیین کند. این حق را سیاست همزیستی مسالمت آمیز به رسمیت می شناسد. امپریالیسم این حق را برای خلقها به رسمیت نمی شناسد. چرا نمی شناسد؟ برای اینکه خلقها هرگز نمی خواهند سرنوشت خود را طوری تعیین کنند که زیر یوغ امپریالیسم باشند، در معرض ستم و غارت فئودال و بزرگ مالک و کلان سرمایه دار باشند. خلقها همیشه می خواهند سرنوشت خود را طوری تعیین کنند که مستقل باشند، آزاد و از حقوق انسانی برخوردار باشند. یک زندگی شایسته انسان داشته باشند. جنبش های خلقی همیشه محتوا و اهداف مترقی داشته اند و دارند. انقلابها همیشه جنبشی به جلو بوده اند و هستند. هیچ خلقی انقلاب نمی کند که مثلاً نظام برده داری را احیاء کند. هدف هیچ انقلاب خلقی، حفظ فئودالیسم، حفظ نظام مستعمراتی، و در شرایط امروزی، حفظ نظام سرمایه داری استعمارگر نیست. همه خلقها می خواهند سرنوشت خود را بر مبنای رفیع ستمگری های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی تعیین کنند. امپریالیسم با حق تعیین چنین سرنوشتی از سوی خلقها موافق نیست و نمی تواند موافق باشد. امپریالیسم اسارتگر و چپاولگر است. غارت خلقها منبع حیات و ایفاء اوست. هر زمان و هر کشور، خلقی برای تعیین سرنوشت خود باخیزد، قیام کند، انقلاب کند، امپریالیسم برای سرکوب این جنبش و انقلاب به مداخله دست می زند: یا مستقیم ضد انقلاب صادر می کند و یا غیر مستقیم شورش های ضد انقلابی سازمان می دهد، و آنگاه در پشتیبانی از این شورش های ضد انقلابی، نقاب طرفداری از حق تعیین سرنوشت خلق بر چهره می زند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز برعکس، نه فقط حق خلقها را در تعیین سرنوشت خویش، حق آنها را به مبارزه برای رهایی از سلطه امپریالیسم، حق آنها را به قیام علیه ستمگری اجتماعی و اقتصادی خویش به رسمیت می شناسد و محترم می دارد، بلکه در برابر توطئه های امپریالیسم، پاسدار این حق است. سیاست همزیستی مسالمت آمیز مخالف با مداخله در امور داخلی کشورهاست. این مخالفت را در صورت تقاضای خلق رزمنده کشوری که در معرض مداخله قرار گرفته، به صورت کمک به این خلق برای دفع مداخله، دفع صدور ضد انقلاب، سرکوب شورشی ضد انقلابی ساخته امپریالیسم، نشان می دهد. کمک کشورهای سوسیالیستی مورد درخواست به کشورها و خلقهایی که در گیر نبردی سرنوشت ساز با امپریالیسم تجاوزگر و جهان خوارند، نقض سیاست همزیستی مسالمت آمیز نیست، جزئی از آن است.

### اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز در مورد ایران

محتوا و نحوه اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز نسبت به کشور

خودمان - جمهوری اسلامی ایران - به وضوح می توان دید و آن را با سیاست امپریالیستی سنجد.

هنوز قبل از پیروزی انقلاب ایران، آنگاه که برژینسکی و شرکا قصد سرکوب خونین آن را داشتند، اتحاد شوروی رسماً به آمریکا اخطار کرد که به هیچ بهانه و به هیچ وسیله، بخصوص به وسیله اعمال قهر مسلح حق مداخله در امور ایران را ندارد. پس از پیروزی انقلاب، این اخطار جدی تکرار شد. آنگاه که امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، برای شکستن انقلاب ما، تحریم اقتصادی ایران را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کرد، اتحاد شوروی این تحریم اقتصادی را "وتو" کرد. همه اینها، در کنار پشتیبانی معنوی اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و افزایش توطئه های امپریالیسم، بسر - کردگی آمریکا، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، کمکی است که اتحاد شوروی در سطح بین المللی می توانسته است و می تواند نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام دهد. این کمک نیازی به درخواست نداشته است و ندارد. این اجرای سیاست مسالمت آمیز از یک سو است. از سوی دیگر اتحاد شوروی حق تعیین سرنوشت، حق تعیین نظام سیاسی - اجتماعی - اقتصادی را حق مردم ایران می داند و در آن کمترین مداخله ای نه غیر مستقیم و نه بطریق اولی مستقیم نمی کند، نکرده است و نخواهد کرد. بنا به اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیز، مداخله در امور داخلی دیگر کشورها ممنوع است. این هم جنبه دیگری از سیاست همزیستی مسالمت آمیز.

از جانب دیگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که پیرو اصول سیاست همزیستی مسالمت آمیزند، اعلام داشتند که در صورت درخواست جمهوری اسلامی ایران، حاضرند هرگونه کمکی که از دست آنها برمی آید، در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. این هم جنبه دیگری از سیاست اصولی همزیستی مسالمت آمیز. توسعه حمل و نقل کالا از راه ترانزیتی اتحاد شوروی و افزایش نسبی بازرگانی خارجی با اتحاد شوروی، به همان نسبتی که انجام گرفته اند و مورد درخواست ایران بوده است. این دیگر با دولت جمهوری اسلامی ایران است که در این زمینه و یادر دیگر زمینه ها خواستار گسترش مناسبات با اتحاد شوروی شود. آیا این سخنان ما واقعیت است؟ اگر واقعیت است، آنگاه نه پیروان خط برژینسکی، که با مترسک "خطر" موهوم شوروی می خواهند راه بازگشت "عموماس" را هموار کنند (به آنها حرجی نیست)، بلکه انقلابیون راستینی که دچار پیش - داوری های ضد شوروی و ضد کمونیستی هستند، به نظر می رسد که باید توجه به این واقعیتها، در اندیشه خود تجدید نظر کنند، این واقعیت را بشناسند که اتحاد شوروی سیاستی جز سیاست همزیستی مسالمت آمیز با کشور ما ندارد، جز استقلال واقعی کشور ما، جز تقویت همه جانبه جمهوری اسلامی ایران را در مبارزه علیه امپریالیسم، نمی خواهد. شناخت این واقعیت و، بر اساس آن، اتخاذ مشی سیاسی در جهت گسترش مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که همزیستی مسالمت آمیز اساس سیاست خارجی آنهاست، می تواند بسیاری از دشواری های را که امروز کشور ما با آنها روبروست، برطرف کند، و نیز فردا، به برطرف کردن دشواری های که در جریان رشد کشور پدید خواهند آمد، کمک کند.

### شاید افغانستان گره کار است

شاید "مسئله" افغانستان برای انقلابیون مسلمان راستینی که در بقیه در صفحه ۶

# کارگران - اسطوره‌های سرنوشت ساز و رهایی بخش از وابستگی‌ها

به مناسبت روز ۱۱ اردیبهشت، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان، امام خمینی رهبر انقلاب، و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیامی خطاب به کارگران میهن ما فرستادند. در این پیام امام خمینی، کارگر زحمتکش را "اسطوره سرنوشت ساز و رهایی بخش از وابستگی‌ها" نامیدند و بر این واقعیت تأکید کردند که کارگران بویژه پس از جنگ تحمیلی، با زحمت شبانه‌روزی خود انبیا نموده‌اند که قادر به نجات کشور از زنجیر وابستگی-ها هستند.

امام خمینی با تکیه بر این حقیقت که نخستین گام در راه دست یابی به استقلال، قطع وابستگی اقتصادی است، در دیدار با کارگران کارخانه‌های مختلف، کارگران و دهقانان را ستون فقرات استقلال کشور و انقلاب نامیدند و ضمن تجلیل از مجاهدات و مبارزات کارگران در دوران قبل از انقلاب، که اعتصاب‌های دامنه‌دار و سراسری پیروزی انقلاب را تأمین کردند، اظهار امیدواری کردند که با کوشش خود انقلاب را به پیش ببرند.

طبقه کارگر که پیشاهنگ مبارزات خلق برای طرد امپریالیسم و تأمین استقلال میهن خویش است، در عین حال پیگیرترین مبارز تا پایان انقلابی است. طبقه کارگر در مبارزه مرگ‌و‌زندگی با امپریالیسم و دست‌نشاندها آن فقط زنجیرهای خود را از دست می‌دهد و نه فقط این، که با فداکاری و ایثار و شهادت خود، زنجیرهای بردگی را از دست و پای میلیون‌ها هم‌زم و هم‌سنگر، که محرومان جامعه‌اند، می‌کشد.

انقلاب ۲۲ بهمن و رویدادهای پس از آن، درجه والای رزم‌جوئی،

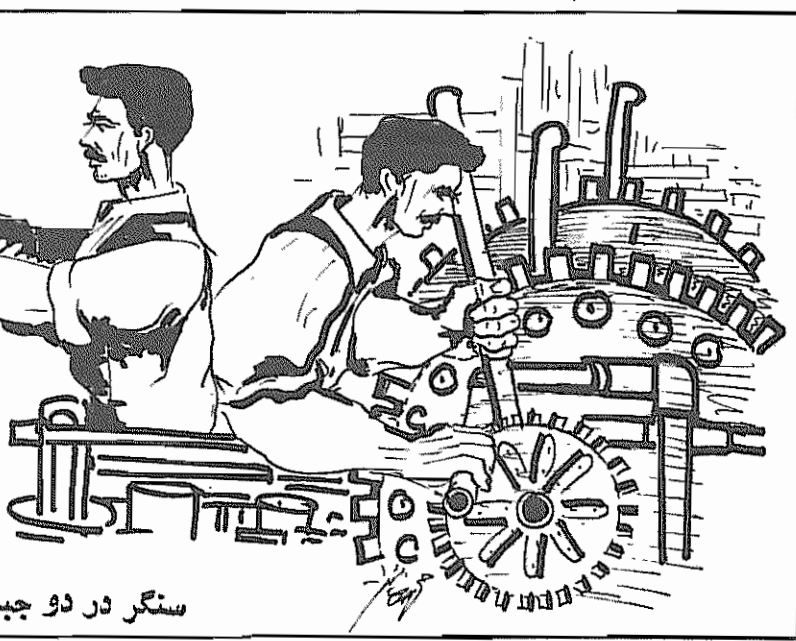
ایثار، رشادت، استقامت و تحمل انقلابی طبقه کارگر را نشان داد. اعتصاب‌های دامنه‌دار کارگران، علی‌رغم وجود ساواک و ارتش شاهنشاهی و گاردی‌ها و کماندو-ها و گوریله‌های وحشی پاسدار سلطنت منفور پهلوی، و مهم‌تر از همه، اعتصاب سراسری کارگران، که تیر خلاص را در مغز نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله نشان داد، بر نقش قاطع طبقه کارگر در پیروزی انقلاب دلالت داشت.

پس از پیروزی، زمانی که کشور به محاصره اقتصادی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، درآمد، کارگران به پیام امام خمینی، که از آنان می‌خواست بازوی کار خود را در خدمت تولید بیشتر قرار دهند، پاسخ مثبت گفتند و نیرو، استعداد و ابتکار خود را برای قطع وابستگی و تأمین خودکفائی به کار گرفتند.

زمانی که از کارگران خواسته شد که برای تولید بیشتر از حربه اعتصاب استفاده نکنند، کارگران با شجاعتی خود، که پیروزی این انقلاب را در راستای پیروزی طبقه خود میدانند، کوشیدند برای حل مشکلات رفاهی و صنفی خود به طریق دیگری متوسل شوند و شیوه-های مذاکره و شور و گفتگو با مسئولان را جایگزین حربه اعتصاب واقعی سازند.

این هشیاری انقلابی موجب شده‌اند که انقلاب در برانگیختن اعتصاب و تحصن و وادار کردن کارگران به کم‌کاری، به منظور نابود ساختن اقتصاد کشور در انفرادماند و نقابش از هم درید. امام خمینی با ستایش از نقش خلاق طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش می‌گویند:

"کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشور هستند... بی جهت



سنگر در دو جنبه علیه امپریالیسم آمریکا!

نیست که فعالیت گروه‌هایی که به خلاف جمهوری اسلامی هستند و وابسته به اجانب هستند، با این دو قشر بیشتر توجه دارند و این دو قشر را بیشتر می‌خواهند به انحراف بکشانند... برادران و خواهران به هوش باشید که خدمت‌های ارزنده شما در راه کشور عزیز اسلامی با دست جنایتکار این گروه‌ها به خدمت آمریکا کشیده نشود.

طبقه کارگر بویژه پس از آغاز جنگ تحمیلی بیش از پیش نشان داد که هرگز به امپریالیسم و دست نشاندها مزدوران اجازه سلطه مجدد بر میهن انقلابی خویش را نخواهد داد. با شروع جنگ تحمیلی، کارگران زن و مرد آستین‌ها را بالا زدند و در جنبه و پشت جنبه

نمونه‌های شهادت و کار و ایثار انقلابی آفریدند. کارگران همراه با دهقانان زحمتکش، کارتدارک جنبه را به دوش گرفتند و ضمن آنکه بخشی از این ارتش بر شمار رنج و کار، سلاح برکف در خط مقدم جنبه علیه مزدوران صدام می-جنگ و با خون خود از استقلال کشور دفاع می‌کند، بخش دیگر وظیفه کمک به جنبه را از نظر تأمین خوراک و پوشاک تعمیر ابزارهای جنگی و ساخت قطعات یدکی در حدود امکانات و توانائی‌های خود بر دوش گرفته‌است.

طبقه کارگر، علی‌رغم همه محرومیت‌های فزاینده ناشی از گرانی تورم، فقدان بهداشت و مسکن و حداقل رفاه لازم، در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها همه

نیروی کار و شور انقلابی خود را به میدان آورده و نادمین متجاوز را از خاک خود تراند و جرخ کارخانه‌ها را برمدار تأمین استقلال اقتصادی کشور به گردش در-نیآورد، از پای نخواهد نشست. طبقه کارگر بر راستی اسطوره سرنوشت ساز میهن انقلابی و هموطنان زحمتکش خویش است و نقش قاطع خود را در تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ایفا خواهد کرد. طبقه کارگر به راستی عامل مهم رهایی کشور از وابستگی-هاست و عزم راسخ دارد که با بازوی توانای خود، تمام زنجیرهای وابستگی به امپریالیسم را درهم شکند و میهن خویش را بسوی مرزهای بهروزی پیش ببرد.

## موانع فعالیت آزادانه حزب توده ایران در شهر سیستان و رامین را از بین ببرید

ایجاد مانع بر سر راه فعالیت های انقلابی اعضا و هواداران حزب توده ایران به سود ضدانقلاب است. در راه فعالیت آزادانه اعضا و هواداران حزب توده ایران در منطقه ورامین کارشکنی های فراوانی صورت می گیرد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستان ورامین، مانند تمام توده‌ای‌ها در سراسر ایران، به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، به شعار نویسی و چسباندن پلاکارد-هایی بر دیوارهای شهر پرداختند. مضمون تمامی این شعارها و پلاکاردها را دفاع از انقلاب و زحمتکشان و مستضعفان تشکیل می داد. لیکن رفقای ما در طول فعالیت خود با اشکالات و کارشکنی های فراوان روبرو شدند. از جمله در روز ۱۴ اردیبهشت، توسط فردی که رئیس دبیرستان ۱۵ خرداد ورامین است، مورد ناسزاگویی و هتاکی قرار گرفتند و به کمیته انتقال یافتند. این برخورد روز ۱۷ اردیبهشت توسط فرد دیگری، که راننده مینی بوس سرویس کارخانه قند این شهر است، تکرار شد و اینبار رفقا تحویل سپاه پاسداران شدند. در هر دو مورد مسئولین کمیته و سپاه با برخوردی غیر مسئولانه رفقای ما را بازداشت کردند و تحویل دادگاه انقلاب دادند. خوشبختانه رئیس و مسئولین دادگاه انقلاب با برخوردی درست، منطقی و درخور انقلاب، رفقای ما را آزاد کردند.

ما ضمن ابراز تاسف عمیق از برخورد نادرست و غیر مسئولانه بعضی از مسئولین در نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران و کمیته انقلاب، که آشکارا علیه اصول مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند و سخنانی علیه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران بر زبان می رانند، بار دیگر تکرار می کنیم که ایجاد مانع در راه فعالیت آزادانه و قانونی حزب توده ایران به سود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست.

ما همچنین از رفتار منطقی، مسئولانه و درخور انقلاب مسئولین دادگاه انقلاب تقدیر می کنیم.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مصری می خواهیم که از ایجاد هرگونه مانع در راه فعالیت آزادانه اعضا و هواداران حزب توده ایران در تمام نقاط کشور و منجمله در شهرستان ورامین و اطراف آن جلوگیری کنند.

## عوامل مسلح فئودالها در جاده های سیستان و بلوچستان ناامنی بوجود آورده اند

عوامل فئودالها و خان‌ها در سیستان و بلوچستان با حمله به خودرو-هایی که از جاده های این منطقه به خصوص "نوآباد" و اطراف ایرانشهر عبور می کنند، جو ناامنی در منطقه بوجود آورده اند.

بالیکنه اکنون کلیه خودروها در جاده های این منطقه توسط مامورین پاسگاه زاندارمری گروها با کنترل می شود و هر دو ساعت یکبار بوسیله ماموران مسلح زاندارمری تا ناحیه "بزمان" اسکورت می شوند لیکن هنوز امکان حمله عوامل ضدانقلاب در این ناحیه وجود دارد. زیرا که اولاً زاندارم-های مسئول اسکورت، که در جاده بم-ایرانشهر کار می کنند، فاقد دستگاه های بی سیم مخابراتی هستند، و ثانیاً در فاصله راهی که خودروها در آن اسکورت می شوند و طول آن ۱۰۰ کیلومتر است، اشرار می توانند به خودروها حمله کنند و بدون اینکه ماموران مستقر در دو قسمت جاده، یعنی در "اداره بیمه مسجد یا ابوالفضل" و نیز در "بزمان" اطلاع

یابد، دست به جنایت و دزدی بزنند. همچنین عوامل ضدانقلاب وابسته به خوانین در فاصله ایرانشهر به چاه-بهار نیز با اقدامات خود ناامنی زیادی بوجود آورده اند. اکنون ارتفاعات این راه، که حداقل ۳۵ کیلومتر طول دارد، توسط افراد لشکر ۸ زرهی زاهدان و زاندارمری ایرانشهر، در هنگام عبور کاروان خودروها، محافظت می شود. عبور از این جاده روزانه فقط یکبار انجام می گیرد. ماموران زاندارمری و افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران تاکنون نتوانسته اند این راه را بخوبی محافظت کنند.

## نظارت در امر تولید کارخانه های دولتی، یکی از وظایف اساسی دولت است

کارخانه "دورال" (تهران) - تولیدکننده انواع پروفیل آلومینیوم و نیز سازنده دروینجره آلومینیومی، تحت پوشش وزارت صنایع و معادن است و اداره امور آن بعد از مدیران دولتی است. "دورال" نزدیک به دوماه تعطیل بود و مسئولین علت آنرا "حسابرسی" اعلام کرده اند. کارخانه تمام تولید خود را تا شهر بیورماه پیش فروش کرده و تا آن زمان از فروش محصولات خود به متقاضیان معذور است. بسیاری از محصولات کارخانه، با دارانحصار خود کارخانه است و یا در اختیار افرادی قرار دارد که قالب های تولید قطعات را خریداری کرده اند، لذا از فروش آن قطعات به مردم خودداری می کنند، به این عنوان که "اختصاصی" است.

وضع آلومینیوم در بازار بسیار بد است، چون در انحصار افراد معدودی قرار دارد و آنها هم با ایجاد بازار سیاه، قیمت آن را به مقدار زیادی افزایش داده اند. با توجه به نکات ذکر شده و در شرایطی که کشور احتیاج مبرمی به تولید این محصول دارد، تعطیل کارخانه بعد از دوماه، عرضه نکردن تولید به مردم و پیش فروش کردن آن، به هیچ وجه به سود انقلاب نیست. مسئولان وزارت صنایع و معادن باید در امر تولید کارخانه ها نظارت کافی بعمل آورند و محتکران و خرابکاران را بدست قانون بسپارند، تا از سوء-استفاده عده ای سرمایه دار ضد انقلابی جلوگیری بعمل آید.

## نمایشگاه سالروز جمهوری اسلامی ایران در شیراز

به مناسبت سالروز جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ فروردین، نمایشگاه های عکسی با نام "دستاورد های انقلاب، که از میان آتش و خون بدست آمده"، از سوی سازمان حزب توده ایران در شیراز، در این شهر برپا شد. در این نمایشگاهها، که با عکس هایی از امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آذین شده بودند، دستاوردهای انقلاب با طرح، عکس و ارقام به نمایش گذاشته شده بود.

حزب نگار «نامه مردم» در شیراز در گزارشی در این مورد می نویسد: «نمایشگاه عکس در نقاط زحمتکش زمین شهر و همچنین در نقاط مختلف دیگر شهر، مانند خیابان قالی، فلکه شاه چراغ و دروازه اصفهان... به نمایش گذاشته شده بود. این نمایشگاه به مدت ۳ هفته از تاریخ ۵ فروردین ۶۰ برپا شد و در تمام طول برپایی آن مورد استقبال مردم زحمتکش شیراز قرار گرفت.»

**طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جنبه، پیشقدم است!**



### با واگذاری اراضی مصادره شده فتودال طاغوتی در «تل مویزی» برشوردهقانان تهیدست در بالا بردن تولیدیافتاراید!



زنان و دختران و کودکان روستای تل مویزی، که سالیان سال در محرومیت و فقر بسر برده‌اند، در دوران انقلاب بزرگان می‌خواهند که با واگذاری زمین به سرپرستانشان، روی رفاه و برخورداری از نعمت‌های زندگی را ببینند.

در روستای "تل مویزی" با اینکه اراضی مرغوب و حاصلخیز فتودال طاغوتی مصادره گردیدند، اند، لیکن هنوز به صاحبان اصلی آن، یعنی دهقانان تهی-دست داده نشده‌اند.

روستای تل مویزی در ۵۰ کیلومتری کجساران قرار دارد (تعداد ۳۵ خانوار ساکن) فتودال سابق این روستا، که بر طبق حکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز اعدام شد، در زمان رژیم گذشته اراضی مرغوب را، که حدود ۹۰ خیش بود (هر خیش معادل ۶ هکتار است) غصب کرده بود. بدین جهت اهالی به اجبار برای امرارعاش به کشت زمینهای نا-مرغوب و سنگلاخی در فاصله ۵ کیلومتری، که قبلاً با بر بودند، پرداختند. در حال حاضر با اینکه ۲ سال از انقلاب میگذرد و اموال و دارایی زمینهای فتودال معدوم مصادره شده‌اند، لیکن متأسفانه هنوز به خواست اهالی در مورد واگذاری این زمین‌ها به صاحبان اصلی آنها پاسخ داده نشده و فعلاً توسط جهاد سازندگی کشت میشوند.

با توجه به اینکه "اراضی آباد شده توسط افراد یا شرکت‌ها که دادگاه صالح اسلامی به استرداد آنها حکم داده است" مشمول بند "ب" قانون اصلاحات ارضی هستند، لذا لازمست که هر چه زودتر به دهقانان مستحق واگذار گردند. واگذاری قانونی اراضی به دهقانان موجب افزایش شور آنان در بالا بردن تولید میگردد. ضمناً چون زمین کم است باید به دایر کردن زمین‌ها توجه جدی

معطوف شود. همچنین با توجه به مرغوب بودن زمین و ذخیره غنی آب-های زیرزمینی، میتوان در این زمین-ها چاههای عمیق حفر کرد و با تشکیل یک تعاونی تولید در عمل تعداد ۲۰ خانوار بدون زمین روستا را نیز در آن شرکت داد و مطابق برنامه ریزی صحیح میزان تولید را بالا برد و زمین‌های تازه آبی را بزرگتر کرد. در روستای تل مویزی اداره ۶ بهداری، در بهمن سال گذشته، عملیات حفاری چاه آب آشامیدنی را بپایان رسانده و قرار است، که بعد از رسیدن لوله عملیات لوله‌کشی و منبع آب به پایان رسد. از دیگر خواست‌های روستائیان، نوسازی روستا و نیز شن-ریزی ۲ کیلومتر جاده ارتباطی با مرکز بخش است.

نکته دیگر اینکه، روستائیان زحمتکش تل مویزی همانند سایر روستائیان کشورمان، بدرستی جنگ تجاوزه-کارانه صدام به ایران انقلابی را جزئی از توطئه امپریالیسم آمریکایی دانند.



### راه پیمائی عشایر بختیاری در قم به حمایت از اجرای بند «ج» عدهای از عشایر بختیاری روز ۲۱ فروردین ۶۰، ضمن یک راهپیمائی، با لباس‌های متحدالشکل محلی، در خیابان‌های قم، خواستار اجرای بند «ج» شدند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند و مظهر تازه‌ای از حق-طلبی و حمایت از برنامه انقلابی دولت را به نمایش گذاشتند.

ما نیز از مقامات مسئول بار دیگر مصرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر با اقدامات عاجل و سریع به این خواست زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دهند، و همانطور که نوید داده شده است، مجلس و دولت مشترکاً در این زمینه اقدام کنند و هر چه زودتر دستور العمل اجرای بند «ج» و بند «د» مربوط به اراضی بایرو دایر بزرگ مالکان صادر گردد.

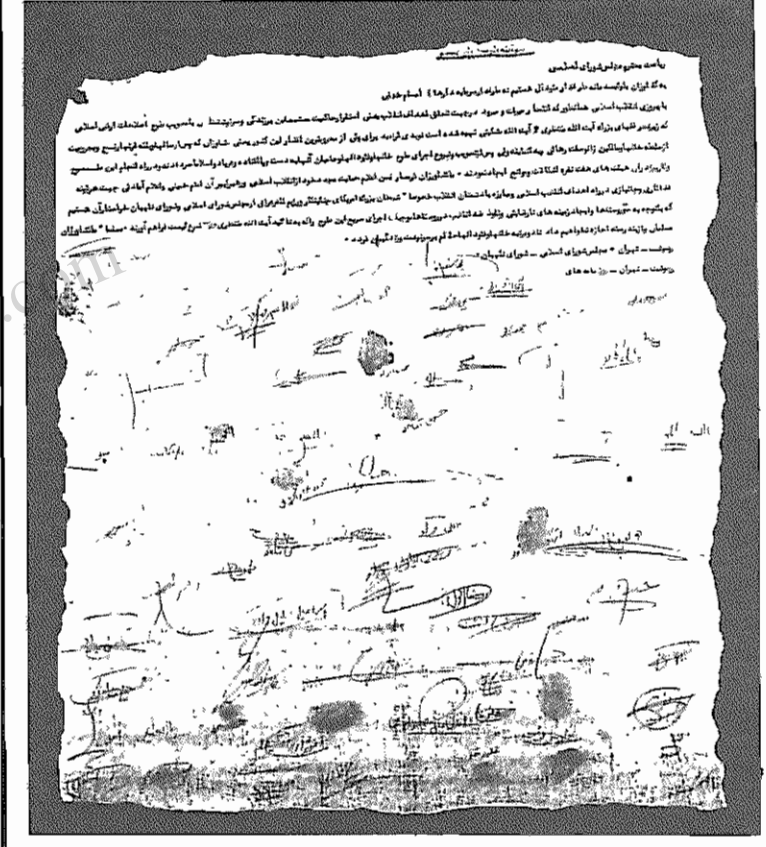
عدهای از عشایر بختیاری روز ۲۱ فروردین ۶۰، ضمن یک راهپیمائی، با لباس‌های متحدالشکل محلی، در خیابان‌های قم، خواستار اجرای بند «ج» شدند. آنها پلاکاردهائی در دست داشتند و مظهر تازه‌ای از حق-طلبی و حمایت از برنامه انقلابی دولت را به نمایش گذاشتند. ما نیز از مقامات مسئول بار دیگر مصرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر با اقدامات عاجل و سریع به این خواست زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دهند، و همانطور که نوید داده شده است، مجلس و دولت مشترکاً در این زمینه اقدام کنند و هر چه زودتر دستور العمل اجرای بند «ج» و بند «د» مربوط به اراضی بایرو دایر بزرگ مالکان صادر گردد.

عبداله‌خان والی کسی است که در زمان رژیم گذشته توانست با تصرف زمین‌های دهقانان زحمتکش و اجرای "اصلاحات ارضی" شهنشاه، صاحب ۶۰۰ هکتار از زمین‌های روستاهای اطراف ساوه و روستای قلندریه شود. وی اکنون تحت پیگرد قانونی است. در زمان طاغوت بسیاری از دهقانان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. بعد از انقلاب، در حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر از این دهقانان، که در شهرستان قم بودند، به قلندریه برگشتند، تا بر روی زمین‌های خود زراعت کنند. این مسئله باعث بروز درگیری‌هایی با عبداله‌خان والی و پسرانش شد. در سال گذشته آنها نتوانستند بیش از نیمی از زمین-های متعلق به خودشان را کشت کنند. آنها خواستار گرفتن بقیه زمین‌ها هستند، که مجموعاً ۴۰ هکتار است. این خواست حقه و قانونی باعث درگیری میان دهقانان از یک طرف و مالک بزرگ

### خواست اصلی کشاورزان گرمسار، اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی است

کشاورزان گرمسار (در استان سمنان) نامه‌ای به ریاست مجلس شورای اسلامی نوشته‌اند و ضمن اشاره به توطئه‌های بزرگ مالکان و اربابان، خواستار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی شده‌اند. این نامه، که به امضاء گروهی از دهقانان تأیید شده است، شرح زیر بیانگر مهم‌ترین مشکل فعلی دهقانان گرمسار است: بسم الله الرحمن الرحیم ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فتودال هستیم نه طرفدار سرمایه دارها (امام خمینی) با پیروزی انقلاب اسلامی همانطور که انتظار میرفت و می‌رود در جهت تحقق اهداف انقلاب یعنی استقرار حاکمیت مستضعفین بر زندگی و سرنوشتشان با تصویب طرح اصلاحات ارضی اسلامی که زیر نظر فقهایی بزرگ آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی تهیه شده است نویدی گردید برای یکی از محروم‌ترین اقشار این کشور یعنی کشاورزان که پس از سال‌ها و بلکه قرن‌ها رنج و محرومیت از سلطه خان‌ها و مالکین زالوصفت رهایی پیدا

نمایند ولی پس از تصویب و شروع اجرای طرح خان‌ها و فتودال‌ها و حامیان آنها به دست و پا افتاده و فریاد و اسلما سر دادند و در راه انجام این طرح و کار برادران هیئت‌های هفت نفره اشکالات و موانع ایجاد نمودند. ما کشاورزان گرمسار ضمن اعلام حمایت مجدد خود از انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن امام خمینی و اعلام آمادگی جهت هر گونه فداکاری و جانبازی در راه اهداف انقلاب اسلامی و مبارزه با دشمنان انقلاب خصوصاً شیطان بزرگ آمریکا جنایتکار و رژیم کافر عراق از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان خواستار آن هستیم که با توجه به جو روستاها و ایجاد زمینه-های نارضایتی و نفوذ ضدانقلاب در روستاها موجبات اجرای سریع این طرح را که به تأیید آیت‌الله منتظری خلاف شرع نیست فراهم آورند. مسلماً ما کشاورزان و مسلمان و از بندرسته اجازه نخواهیم داد تا دومرتبه خان‌ها و فتودال‌ها حاکم بر سرنوشت و زندگیمان گردد. رونوشت - تهران - مجلس شورای اسلامی - شورای نگهبان. رونوشت - تهران - روزنامه‌های کثیر-الانتشار



### سه مقام مذهبی درباره شرعی بودن قانون اصلاحات ارضی نظر

حج‌آقا اسلام فاضل هرنیدی، حاکم شرع و دبیر هیئت‌های واگذاری زمین: "امام رسماً به آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله بهشتی دستور دادند که قانون واگذاری زمین را مورد بررسی قرار دهند و چنانچه با اصول اسلام منطبق بود، به اجراء آورند، که آقایان بهشتی، منتظری و مشکینی، این طرح را بررسی و مورد تأیید قرار دادند. اگر نظر خود رهبر انقلاب و یا کسانی که اهل نظر هستند، شرط اسلامی بودن طرح باشد، که می‌بینیم آنها نظر خود را اعلام کرده‌اند و این قانون در

شورای انقلاب اسلامی تصویب شد و به تأیید سه مجتهد عادل نیز رسید. به این ترتیب، طرح واگذاری زمین، هم جنبه قانونی دارد و هم جنبه شرعی." (مصاحبه با روزنامه اطلاعات، ۲۷ بهمن ۵۹) آیت‌الله مشکینی: "گفتند این طرح مخالف اسلام است، یا این طرح، طرح کمونیستی است و امثال این مطالب، البته عمده دامن زدن به آتش این فتنه از ناحیه سرمایه داران و زمینداران انجام گرفت." آیت‌الله منتظری: "بند «ج» مخالف با شرع نبود."

آیت‌الله منتظری: جامعه مانیازمند به یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و استثمار را باید از بین برد.

# «شورای ملی فلسطین» را بشناسیم

بعد از اجلاس دمشق نزدیکان این مقام را در دست خواهد داشت.

وظائف "شورای ملی فلسطین" را در فاصله اجلاس های آن، شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین ایفا میکند

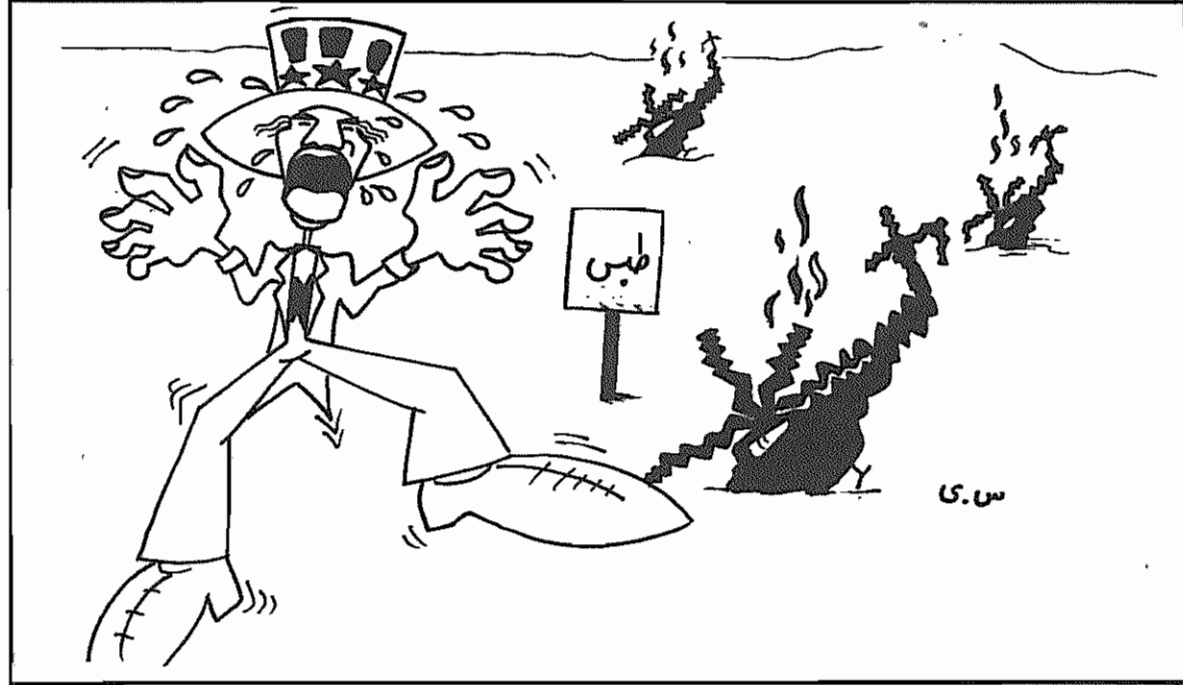
این نهاد از ۴۱ نفر، یعنی صدر "شورای ملی فلسطین" (که در عین حال ریاست "شورای مرکزی" را بر عهده دارد)، صدر و اعضای "کمیته اجرایی" و نمایندگان سازمان های جداگانه و "جبهه ملی فلسطین در مناطق اشغالی" تشکیل میشود.

۳۵۱ عضو، مرکب از نمایندگان سازمان های معروف جنبش مقاومت فلسطین، سازمان های توده های، اتحادیه های حرفه ای و "جبهه ملی فلسطین در مناطق اشغالی" و شخصیت های مستقل تشکیل می گردد. از جمله دیگر وظایف "شورای ملی فلسطین" عبارتست از: انتخاب "کمیته اجرایی" و صدر "صندوق ملی فلسطین" (خزانة دار "سازمان آزادی بخش فلسطین").

یاسر عرفات، که ۲ سال پیش در پنجمین اجلاس "شورای ملی فلسطین" به سمت صدر "کمیته اجرایی" سازمان آزادی بخش فلسطین انتخاب شد،

چنانکه به موقع خود خبر دادیم چندی پیش پانزدهمین اجلاس "شورای ملی فلسطین" در دمشق، پایتخت سوریه، برگزار شد. "شورای ملی فلسطین"، بعنوان پارلمان خلق عرب فلسطین، بالاترین نهاد "سازمان آزادی بخش فلسطین" به شمار میرود و درباره مسائل بنیادی سیاست این سازمان تصمیم می گیرد.

بر پایه اساس نامه "سازمان آزادی بخش فلسطین"، اجلاس "شورای ملی فلسطین" هر ساله یکبار برگزار می شود. "شورای ملی فلسطین" اکنون از



امریالیسم آمریکا خواهد بود؟ آیا تردید هست که در آن صورت افغانستان به یک کانون ضد انقلابی، بویژه علیه جمهوری اسلامی ایران بدل خواهد شد؟ آری، در صورتی که توطئه "امریالیستی" موفق شود، افغانستانی که امروز دست دوستی بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز می کند، بدل به افغانستانی خواهد شد که مانند رژیم "اسلامی" پاکستان، رژیم "اسلامی" عراق، رژیم "اسلامی" عربستان، عمان، مصر، اردن و مراکش و دیگر رژیم های "اسلام آمریکائی"، دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

نه، "مسئله" افغانستان نمی تواند و نباید گرهی در کار شناخت مضمون، مبانی و اهداف سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای پیرو این سیاست باشد. همانطور که کمک نظامی الجزایر به پلیساریسو، کمک نظامی لیبی به چاد، کمک نظامی سوریه به لبنان و به جنبش آزادی بخش فلسطین، تجاوز و اشغالگری نیست، کمک نظامی شوروی نیز به افغانستان انقلابی، به رژیم ضد-امریالیستی و مردمی افغانستان، اشغالگری و تجاوزگری نیست، کمک و همبستگی انقلابی و انترناسیونالیستی است.

گره کار، پیشداوری های ناشی از تبلیغات دراز مدت امریالیستی ضد کمونیستی و ضد شوروی است، که مانع از شناخت واقعیت اتحاد شوروی سیاست این کشور و دیگر کشورهای سوسیالیستی و حتی دیگر کشورهای غیر سوسیالیستی است، که اصول همزیستی مسالمت آمیز را اساس سیاست خارجی خود قرار داده اند، مانع از شناخت جبهه جهانی ضد-امریالیستی و اعضا و گردان های این جبهه است، مانع از این است که ما بعنوان کشوری با رژیم ضد-امریالیستی و مردمی، دست بدست دیگر اعضا و گردان های این جبهه، بر امریالیسم به سرکردگی آمریکا - دشمن مشترک همه خلق ها - آسان تر غلبه کنیم، بر توطئه ها، دشواری ها، کمبودها آسان تر فائق آئیم، با گام های بلندتر به سوی پیروزی قطعی و نهائی گام برداریم. این گره را باید بشود.

## سیاست همزیستی مسالمت آمیز،

بقیه از صفحه ۳

امریالیسم مداخله مسلحانه می کند. واقعیت اینست که حضور نظامی شوروی در افغانستان، بنا به درخواست و درخواست مکرر - دولت افغانستان، برای جلوگیری از خطر تهاجم امریکایی از خارج (نظیر تهاجم صدامی بمکشور ما) و بر مبنای قرارداد منعقد شده بین دو کشور افغانستان و شوروی صورت گرفته است، و اگر چنین درخواستی نمی شد، طبعاً و قطعاً "نیروهای مسلح شوروی وارد افغانستان نمی شدند. این حضور نظامی کمکی، که برای رفع خطر تهاجم امریکایی از خارج به وقوع پیوسته، کمترین وجه تشابهی با تجاوز و اشغالگری ندارد و چنانکه رسماً "از سوی اتحاد شوروی به کرات اعلام شده، در هر لحظه که دولت افغانستان بخواهد، نیروی شوروی خاک افغانستان را ترک خواهد کرد.

واقعیت دیگر اینست که، برخلاف تبلیغات سراپا دروغ امریالیستی، که طبق آن تا کنون صدبار قندهار توسط "مجاهدین" تصرف شده و پنجاه بار کابل "تقسیم" شده و هر روز صدها تانک و ده ها هواپیمای شوروی به این شهر و به آن ده افغانستان حمله می برند، نیروی محدود نظامی شوروی در افغانستان دخالتی در سرکوب گروه های مسلح ضد انقلابی نمی کند. این وظیفه را ارتش افغانستان و نیروهای مسلح خلقی افغانستان انجام می دهند. نیروهای مسلح شوروی فقط برای جلوگیری از خطر تهاجم امریکایی از خارج در افغانستان باقی است و باز چنانکه رسماً، هم از سوی اتحاد شوروی و هم از سوی افغانستان اعلام شده، به محض اینکه این خطر رفع گردد، نیروی محدود نظامی شوروی افغانستان را ترک خواهد کرد.

از سوی دیگر، به این پرسش باید پاسخ داد که: اگر فرض کنیم که "مجاهدین" و "مبارزان" افغانی به کمک آمریکا و چین و انگلیس و ضیاء الحق ها بتوانند حکومت کنونی افغانستان را از گزند آنگاه در افغانستان چگونه رژیم برقرار خواهد شد؟ آیا تردید هست که این رژیم، رژیمی طاغوتی و دست نشانده

مصادر مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار دارند، گره کار شناخت این واقعیت است. ولی مگر امروز دیگر بقدر کافی روشن نشده است که امریالیست های امریکائی و انگلیسی، چین مائوئیست، رژیم های دست نشانده پاکستان، مصر، اسرائیل، عربستان، عمان و دیگر نیروهای

ارتجاعی منطقه اند که علیه افغانستان "اتحاد مقدس" تشکیل داده اند؟ مگر امروز دیگر بقدر کافی آشکار نشده است که روسای هر ۵ سازمان عمده "مبارزان" و "مجاهدان" افغانی، که علیه دولت افغانستان می جنگند، عمال امریالیسم امریکا هستند، با "سیا" سروکار دارند، بوسیله امریکا

و متحدان و دست نشانده گانش مسلح می شوند؟ درست است که اینان بنام اسلام با دولت افغانستان می جنگند، چون خلق افغانستان معتقد به اسلام است، ولی مگر امروز دیگر بقدر کافی روشن نیست که آن "اسلامی" که آمریکا و متحدان و دست نشانده گانش از آن پشتیبانی می کنند، "اسلام

آمریکایی" است؟ مگر روشن نیست که این "اسلام" طرفدار فتوای لیس، طرفدار سرمایه داری وابسته، طرفدار سلطه امریالیسم، به سرکردگی امریکاست؟ مگر بقدر کافی معلوم نیست که "مسلمانان دوآتشه های نظیر سادات ها، ضیاء الحق ها، ملک خالدها، ملک حسین ها، ملک حسن ها سلطان قابوس ها و از این قبیل مسلمانان قلابی، عمال و کارگزاران واقعی امریالیسم، به سرکردگی امریکا، هستند؟ مگر ما خودمان "اسلام آمریکایی" نداریم و به چشم خود نمی بینیم که این "اسلام آمریکایی" سر سازگاری با اسلام راستین انقلابی با انقلاب ضد امریالیستی و مردمی و جمهوری اسلامی ایران ندارد؟ همین صدام جانی مگر به نام "اسلام" بر ما تهاجم نظامی نکرده است؟

واقعیت اینست که این اسلام نیست که علیه افغانستان می جنگد و در افغانستان انقلابی رها از سلطه

## از گزارش هیئت سیاسی

به هفدهمین پلنوم (وسیع)

کمیته مرکزی حزب توده ایران:

## تو کیب حاکمیت در مرحله نوین:

## از لحاظ پایگاه طبقاتی

در زمینه غارتگری بزرگ مالکان و سرمایه داران عمل می کند، در این حاکمیت کم شده نقش موثر فلج کننده خود را تا حدی از دست داده است.

در نهادهای انقلابی، یعنی دادگاه های انقلاب، کمیته های انقلابی و سپاه پاسداران، این تقسیم قدرت باز هم بیشتر به سود نمایندگان وابستگان به جناح مردمی است. البته این به آن معنا نیست که وابستگان به سرمایه داری لیبرال، بزرگ مالکان و حتی عناصر وابسته به ضد انقلاب سازمان یافته در این نهادها، ریشه کن شده و حضور ندارند. برعکس و با کمال تأسف باید این واقعیت را که امام خمینی بارها یادآور شده اند، پذیرفت که این عناصر ضد انقلابی و سازشکار در همه این نهادها نفوذ کرده و با ماسک ریا و تزویر، با تظاهر به افراطی گری مذهبی، ستیز با هرگونه خواست به حق توده ها و هرگونه افکار آزادمشنانه مترقی و پیشرو، در جهت ایجاد ناراضی در میان مردم و تحریک تشنج و بی ثباتی عمل می کنند.

وظیفه نیروهای راستین انقلاب، این است که با تمام نیرو از گرایش های ضد امریالیستی، مردمی و آزادی خواهانه نیروهای موثر در حاکمیت کنونی پشتیبانی کنند، سمت گیری های محافظه کارانه، واپس گرایانه را افشا کنند و نیروهای راستین انقلاب را از زیان های جبران ناپذیر این گرایش ها برحذر دارند.

عناصر حاکمیت کنونی کشور به طور عمده عبارتند از: نهادهای قانونی شامل مقام رهبری، رئیس جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی قضایی، دولت، شورای نگهبان قانون اساسی، سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی یعنی دادگاه های انقلاب، کمیته های انقلاب، جبهه سازندگی، بنیاد مستضعفان و غیره. ترکیب طبقاتی این نهادها به طور عمده مخلوطی است از طیف وابستگان و نمایندگان اقشار گوناگون مردمی تا نمایندگان بورژوازی لیبرال. ولی تفاوت کیفی ترکیب حاکمیت کنونی با ترکیب دوران پیش از انتخاب نهادهای قانونی، در وزن مخصوص جناح های مختلف این طیف در حاکمیت است. اگر در دوران دولت موقت و فعالیت شورای انقلاب و دولت پیش از دولت کنونی، نمایندگان بورژوازی لیبرال وزنه سنگینی را در حاکمیت دولتی تشکیل می دادند. در حاکمیت کنونی این وزنه به میزان قابل توجهی سبک تر شده است. ترکیب اکثریت مجلس و ترکیب دولت کنونی بیانگر آن است که وزنه نمایندگان اقشار گوناگون مردمی در حاکمیت قانونی سنگین شده است. سمت گیری اقدامات این حاکمیت هم، در همه زمینه ها یعنی هم در سیاست داخلی، هم در سیاست اقتصادی و هم در سیاست خارجی بیانگر این واقعیت است که وزنه سرمایه داری لیبرال که با تمام نیروی خود در جهت سازش با امریالیسم آمریکا، مخالفت با هرگونه محدودیت

## ساکنین «کوی شاهین» تهران را از شر به اصطلاح مبارزین افغانی نجات دهید

مشکل آوارگان به اصطلاح مبارز افغانی هر روز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد. ضد انقلابیون افغانی در گوشه و کنار مین مان پراکنده شده اند و هر روز مسئله جدیدی می آفرینند. کوی شاهین تهران، که در نزدیکی آرایش شهر قرارداد، گواه تازه ای برای مدعاست. حضور عده ای افغانی و مزدپاتی که مرتباً در این محله صورت میگیرد، باعث ناراحتی و تکرانی شدید ساکنین آن شده است. روزی نیست که اعمال افغانی ها در گوشه و کنار این منطقه مورد اعتراض مردم قرار نگیرد. حتی چندبار هم بین افغانی های این محل و کارگران ایرانی ساکن کوی شاهین درگیری و کتک کاری پیش آمده، که یکبار منجر به خرد شدن تمام شیشه های نانوائی محل شده است. در ارتباط با مزدپاتی که در کوی شاهین صورت گرفته، تاکنون چندین نفر از این افغانیها دستگیر شده اند. مطلبی که جلب توجه می کند، حضور فردی است به نام «بسم الله خان» که خود را افسر فراری ارتش افغانستان معرفی میکند. این شخص که در سوپرمارکتی در همین محل کار می کند، رهبری افغانیهای کوی شاهین را بر عهده دارد و افغانیهای محلات دیگر نیز به دیدن او می آیند. تجربه نشان میدهد که این دیدارها برای کمک به انقلاب ایران صورت نمی گیرد! «بسم الله خان» عکس رهبران احزاب آمریکائی - افغانی را نیز تکثیر کرده و به در و دیوار محل چسبانده است. او مدتی ناپدید شده بود، که بگفته خودش به افغانستان رفته بود. ماضن جلب توجه مقامات مسئول به این مساله، یار دیگر یادآور می شویم که باید یکبار و برای همیشه انقلاب ایران را از شر ضد انقلابیون افغانی رهائی بخشید.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

دولت باید دست محکرمین و واسطه‌ها را کوتاه کند

یکی از نمایندگان خواستار اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی شد.

طرح تشکیل «بنیاد امور جنگ‌زدگان» به تصویب رسید.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان خواستار حل بنیادی مسأله مسکن و اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی شد.

نخستین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، خانم اعظم طالقانی، نماینده تهران بود که ضمن سخنانی شایعه مربوط به طرح لایحه‌ای در مورد حجاب را تکذیب کرد. وی سپس بر ضرورت عدم وابستگی کشور تأکید کرد و گفت:

«(کشور) باید بتدریج با برنامه ریزی از وابستگی رها شود. در صورتیکه در گوشه و کنار چیزهایی شنیده میشود که برای آینده ایجاد نگرانی می‌کند، ناطق آنگاه خواستار حل بنیادی مسأله مسکن شد و از دولت خواست که با سرعت بیشتری در جهت حل آن اقدام کند.

خانم طالقانی گفت: «از دولت خواهان اجرای اصل ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی هستم که بایستی پس از تصویب قانون اساسی اجرا می‌گردید. اصل ۴۹ باید هر چه زودتر توسط هیئت صالحه‌ای اجرا شود.

وی در ادامه سخنان خود از دولت بدلیل عدم ارائه برنامه جهت حل مشکل بیکاری انتقاد کرد و هشدار داد: «چنانچه این مشکل رفع نشود، وابستگی ما روزافزون خواهد بود.

اعظم طالقانی با اشاره به مسأله گرانی از دولت خواست که دست محکرمین و واسطه‌ها را از زندگی این ملت کوتاه کند. و افزود:

«اگر ما مواد لازم را نداشته‌ایم، این ملت تحمل می‌کند، ولی اکنون اکثر کالاها را داریم و در دست یک عده‌ای خاص قرار دارد، باید چاره‌ای اندیشیده شود و نیازهای طبیعی و واقعی مردم از دست این عده خارج شود.»

وی آنگاه ضمن اشاره به مشکل کمبود پزشک زن، از وزارت علوم و آموزش عالی خواست که تسهیلاتی جهت ادامه تحصیل زنان در رشته پزشکی ایجاد کند. اعظم طالقانی در پایان سخنان خود به حمله به «جامه‌زنان اصفهان» اعتراض کرد و خواهان دستگیری حمله‌کنندگان شد.

دومین ناطق پیش از دستور، علینقی

تقوی، نماینده قائنات، بود که درباره سیل اخیر خراسان توضیحاتی داد و خواستار رسیدگی به آن شد.

سومین ناطق پیش از دستور، اسدالله عالی‌پور، نماینده ایلام، در سخنانش از جمله تأکید کرد که سرمایه‌داران و فئودالها و افراد صدمه‌دیده و طاغوتی نه در جریان انقلاب شرکت داشتند و نه در جنگ تحمیلی اخیر. وی همچنین ضمن اشاره به مسأله کردستان گفت:

«ما باید عللی را که ضدانقلاب از آن استفاده کرده، تا در کردستان عزیز و بلوچستان و دیگر جاها توطئه نماید و در آنجا برای اغتشاش و شورش میدان بیابد، بررسی کنیم و با درمان زخم‌هایی که مردم در طول تاریخ بر بدنهای نجیف خود از بی‌عدالتیها و ظلم و جور و خفقان و سلب آزادیها تحمل کرده‌اند، راه نفوذ دشمن را در میان این برادران مسلمان و علاقمند به وحدت مسدود کنیم، به آنان و به همه مردم استانها اعتبار ببخشیم و از رشد شخصیتشان جلوگیری نکنیم و آنان را در اداره امور مملکت و کارهای اجرایی دخالت دهیم.»

آخرین ناطق پیش از دستور، لطیف صفری، نماینده اسلام‌آباد غرب، بود. وی ضمن سخنانش از رادیو و تلویزیون انتقاد کرد و پرسید:

«چرا رادیو و تلویزیون رسالتش را انجام نمی‌دهد که اینهمه (مردم) به منابع خبری بیگانه گوش می‌دهند.»

وی درباره وضع زندگی مردم گفت: «با اینکه ۹۰ درصد مردم از حداقل امکانات رفاهی محرومند، انبوه بیکاران در هر گوشه‌ای مشهود است، گرانی بی‌داد می‌کند، فقر اقتصادی و محرومیت آنها حاجت به بیان ندارد. چون خود راسبیم و شریک انقلاب می‌دانند، تا امروز با علوطب و همت والای خود دندان بر گلو گذاشته‌اند. ولی متأسفانه با اینهمه خوبی، بجای چاره‌جویی برای رفع محرومیتها و احقاق حقوق مشروع مردم، بر خورد مسئولین چنان بوده است که نتیجه‌ای جز دفع نیروها و هرز رفتن آن‌ها نداشته است.»

ناطق از دولت خواست که برای اداره امور نواحی مختلف کشور از افراد متعدد محلی استفاده شود و گفت:

«این دور از انصاف است که باور کنیم در استانی با ۱۵ میلیون نفر و آنهمه افراد تحصیل کرده، یک نفر متعدد و معتقد و مقبول پیدا نشود که استاندار و یا فرماندار یا حتی بخشدار شود و همه‌اش

از جاهای دیگر بفرستند». آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تذکراتی درباره کار مجلس و همچنین سیل اخیر خراسان داد.

سیس مجلس وارد دستور شد و بررسی طرح «بنیاد امور جنگ‌زدگان»، که در جلسات قبلی مطرح بود، ادامه یافت. پس از بررسی پیشنهادهای نمایندگان و اصلاح مواد، طرح «بنیاد امور جنگ‌زدگان» با اکثریت قاطع به تصویب نهایی رسید.

پس از آن سؤال دکتر آیت از وزارت اقتصاد دارائی درباره سرعت ۸۰ میلیون تومان از بانک ملی شعبه مهاباد و نیز در مورد چگونگی مصادره اموال نمایندگان مجلسین در رژیم گذشته، مطرح شد. پس از پاسخ دکتر نمازی وزیر اقتصاد و دارائی، به سئوال، به تقاضای دکتر آیت و برای رسیدگی بیشتر، سئوال به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید.

آنگاه سؤال دکتر علی گلزاده غفوری مطرح شد. این سؤال در مورد وامهای پرداختی ایران، پیش و پس از پیروزی انقلاب، به کشورهای مختلف، از جمله پاکستان، ترکیه، مصر و اسرائیل و اقداماتی که برای استرداد آن صورت گرفته است، بود. دکتر نمازی در پاسخ لیستی از تمام کشورهایی که به آنها وام پرداخت شده، به نمایندگان ارائه کرد. قرار شد این لیست برای اطلاع همه نمایندگان تکثیر شود و در اختیار آنان قرار گیرد.

در پایان جلسه دیروز اعلام شد، که مجلس فردا (سه‌شنبه) به تقاضای وزیر مشاور، برای توضیح درباره «گروگانهای آمریکائی و خرید ۵۶ میلیون دلار اسلحه، جلسه سری خواهد داشت.

در حاشیه ...

بنی احمد چگونه از ایران رفت؟

دکتر نمازی، وزیر اقتصاد و دارائی، در پاسخ دکتر آیت، از جمله اشاره کرد که عده‌ای از نمایندگان مجالس طاغوتی از ایران گریختند. حجت‌الاسلام خلخالی گفت: «آقای نمازی گفتند که اینها در رفتند، نه، آقای بنی‌احمد را گذرنامه دادند رفت.»

تشکیل ستاد کمک به سیل زدگان بستک

کرد که به منطقه بستک ارسال شد.

همچنین اعضاء و هواداران حزب توده ایران، بنابه وظیفه انقلابی خویش، در تدارک جمع‌آوری و رساندن این کمکها نقش فعال و موثری داشتند. سازمان حزب در اوز نیز مبلغ بیست هزار ریال بصورت کمک نقدی و چندین قلم کمکهای جنسی در اختیار ستاد کمک‌رسانی قرار داد.

تحریکات ضد انقلاب ...

۶- پخش وسیع اعلامیه‌های ارتش باصطلاح رها بیخ‌ایران؛ گذشته از اینها، فئودالهای منطقه نیز با نابسامان دیدن اوضاع بشدت فعال شده‌اند. آنها جلسات محرمانه‌ای با شرکت فئودال و ضدانقلابی معروف پهن‌خان خسروی تشکیل میدهند و در صدد پس گرفتن زمینهای کشاورزان هستند، از جمله اینها

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

افراد مراد قطاری است، که بنوشته روزنامه «جهانپوری اسلامی» از فئودالهای ضدانقلابی... فاسد و عامل رژیم سابق است. این فرد متأسفانه هنوز پست خود را در میان «جوانمردان» محلی حفظ کرده است. حوادث فوق، هشدار جدی به مسئولین است و از تدارک گسترده برای اجرای توطئه بانده قاسملو - صدام حسین، خیر میدهد.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در یزد به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران هواداران و دوستاناران حزب توده ایران در استان یزد، تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را در این لحظات حساس به شما صمیمانه تبریک میگویند و عهد می‌کنند که به مشی حزب، تا آخرین لحظه زندگیشان، وفادار بمانند. موفقیت حزب را در مبارزه بخاطر تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب آرزو مندیم. زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

توطئه ترور یک پاسدار در قزوین

بدنبال شهادت مسئول بسیج اهواز و یکی از پاسداران بندرعباس توسط عوامل ضدانقلاب، در قزوین نیز به بطور مشابهی یک پاسدار مورد سوء قصد قرار گرفت.

به همین مناسبت از طرف سپاه پاسداران قزوین اطلاعیه‌ای منتشر گردید، که در آن از جمله گفته میشود: «گروهکهای خودفرخته آمریکائی، که نقشه‌های خائنه خود را نقش بر آب می‌بینند، روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ۶۰ شبانه به منزل یکی از برادران پاسدار یورش می‌برند. آنها با شلیک چند گلوله به طرف وی قصد ترور او را داشتند، که یکی از گلوله‌ها به وی اصابت نموده و او را مجروح می‌نمایند.»

با کمال خوشوقتی توطئه ترور این پاسدار عقیم ماند. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به این توطئه جدید ضدانقلاب، از آن‌ها می‌خواهیم که قاطعانه تر با ضدانقلاب برخورد کنند.

شماره ۷ (اردیبهشت ماه) ضمیمه «نامه مردم» برای

جوانان توده

منتشر شد

در این شماره مطالب زیر را می‌خوانید:

★ مصاحبه با رفیق مریم فیروز، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران: زنان در انقلاب و پس از آن، خاطراتی از سالهای پس از شهریور ۴۰ و ۴۸ مرداد، سالهای مهاجرت، مناسبات میان همسران جوان و...  
★ بر اساس رهنمودهای هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بکوشیم!

★ اهمیت و نقش برنامه ریزی در انجام وظایف انقلابی  
★ میزگرد کارگران جوان درباره «ارتقاء تخصص»  
★ گفتگویی با اریش هونکر: از زندانهای فاشیسم تا ساختمان زندگی نو  
★ نظام تک حزبی یا چند حزبی در کشورهای سوسیالیستی  
★ گفتگویی با منصور برزگر و رضا سوخته‌سرای قهرمانان ورزش ایران و جهان  
★ و مطالب سیاسی، هنری، ورزشی، داستان، شعر، سرگرمی و...

محصولات کشاورزی ارومیه در خطر نابودی است

محصولات کشاورزی، باغداری منطقه ارومیه در اثر فرسیدن سموم دفع آفات در خطر نابودی است. معمولاً هر ساله پس از خاتمه فصل یخبندان درختان میوه در منطقه ارومیه سمپاشی می‌شوند. ولی امسال در اثر نبودن سموم دفع آفات در بازار این کار صورت نکرده است. همچنین علیرغم وجود جانوران موزی، داروهای مثل «تروپال» (برای از بین بردن کنه)، «زیتون» (برای از بین بردن کرم سیب) و غیره در بازار یافت نمی‌شود. از طرف دیگر، باغداران و کشاورزان منطقه، شدیداً با کمبود روغن موتور برای ماشین-های کشاورزی مواجه هستند. در صورت بموقع فرسیدن این مواد و وسایل، خسارات قابل ملاحظه‌ای به کشاورزی و باغداری منطقه وارد خواهد شد. بر مسئولین وزارت کشاورزی است که با رسیدگی فوری به این مسئله، مانع از نابودی محصولات کشاورزی ارومیه شوند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

# درباره تحریم فروش غله آمریکا به اتحاد شوروی و لغو آن

رسانه‌های گروهی خیر دادند که رئیس جمهور آمریکا رونالد ریگان، تحریم صدور غله از آمریکا به اتحاد شوروی را لغو کرد.

تصمیم به تحریم فروش غله آمریکا به اتحاد شوروی در دیماه ۱۳۵۸، پس از مباحثات زیاد، توسط حکومت گارتز گرفته شد. عده‌ای از سیاستمداران آمریکایی، از جمله چان پلاک وزیر کشاورزی، با این عمل دولت مخالف بودند، زیرا این اقدام گارتز را بیش از هر چیز به زیان کشاورزان آمریکا (فارمها) میدانستند. به دنبال دولت آمریکا، «بازار مشترک اروپا» نیز، که آلتی در دست محافل امپریالیستی اروپای غربی و ایستاده‌ها امریکاست، محدودیت هائی برای فروش غله به اتحاد شوروی مقرر داشت. حتی دولت استرالیا هم به پیروی از امپریالیسم آمریکا فروش غله به اتحاد شوروی را محدود کرد.

«امپریالیسم غربی»، که برای فریب افکار عمومی و گسترش تبلیغات ضد شوروی از هر رویدادی بهره‌برداری میکند، در صدد استفاده از این اقدام گارتز برآمد. مسئله را چنین وانمود می‌کردند که گویا این دولت شوروی است که سخت نیازمند خرید غله از امریکاست. بعضی «متخصصان» شوروی ستیزی تا بدانجا پیش رفتند که حتی از احتمال «گرسنه ماندن مردم شوروی» سخن بیان آوردند! لیکن سرانجام واقعیات بر

آن کشور از ۵۴۶ میلیون تن (سال ۱۹۱۷) به ۲۳۵ میلیون تن (سال ۱۹۷۸) افزایش یافته است. اکنون به حساب متوسط، به هر شهروند شوروی، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، متجاوز از ۲۵ کیلو غله در روز میرسد. برابر آماری که سازمان ملل متحد منتشر کرده است، ارزش غذایی مصرف سالانه خوراک در اتحاد شوروی یکی از بالاترین مقام‌ها در جهان را دارد. همین چندی پیش بود که مطبوعات خبر دادند که اتحاد شوروی ۲۰ هزار تن غله به نیکاراگوئه هدیه کرد. در مقایسه با این رقم (۲۳۵ میلیون تن غله در سال) است که کارشناسان به حق متذکر شده‌اند: عدم صدور ۱۷ میلیون تن غله از آمریکا به اتحاد شوروی در سال گذشته، فقط به درآمد کشاورزان ایالات متحده، حداقل برای مدتی، زیان وارد ساخت.

از اینرو نیز، در پی تظاهرات اعتراضی و راهپیمائی‌های کشاورزان آمریکا، دولت ریگان ناچار دستور تحریم فروش غله به اتحاد شوروی را لغو کرد.

بلافاصله پس از دستور ریگان، دولت استرالیا نیز اعلام کرد که از این پس محدودیتی برای فروش

# مرگ فاجعه آمیز «بابی سندز» مبارز ایرلندی سند تازه‌ای است بر محکومیت امپریالیسم در دادگاه تاریخ

مرگ فاجعه آمیز بابی سندز، مبارز ایرلند شمالی، در همه کشورهای جهان موجی از خشم و نفرت و اعتراض علیه رفتار ددمنشانه دولت انگلیس نسبت به مبارزان راه استقلال و آزادی برانگیخته است. دولت انگلیس با امتناع از خواست عادلانه بابی سندز در مورد شناسائی حقوق زندانیان سیاسی برای مبارزان ایرلندی، با خون‌سردی و قساوت آدمکشانه خرقه‌ای، به زندگی قربانی خود پایان بخشید.

بابی سندز، که به نشانه پشتیبانی مردم از مبارزات حق طلبانه وی، در همان زندان، به نمایندگی پارلمان انگلیس برگزیده شده بود، نتوانست در تالار کاخ «وست منیستر» اعتراضات خلقی را که به آن تعلق داشت، از سیاست اشغالگرانه و فاشیستی دولت انگلیس نسبت به مردم ایرلند شمالی ابراز کند. وی موفق نشد که از پشت تریبون پارلمان انگلیس خودسریها و بیعت‌انگیزی را که دولت انگلیس نسبت به هم‌پیمانانش اعمال میکند، بیان دارد و از حقوق و استقلال ملی آنان دفاع کند. اما بابی سندز با ایثار جان خود به این هدف نائل آمد که، ندای حق طلبانه وی و هم‌زمانش به گوش جهانیان برسد و با مرگ خود، سند تازه‌ای از محکومیت امپریالیسم را در برابر دادگاه تاریخ ارائه دهد.

مرگ فاجعه آمیز بابی سندز به فرست سیاه جنایات بی‌شمار امپریالیسم انگلستان، از تبعیض نژادی و ترور و زورگویی، که از جمله نصیب صدها هزار تن از مبارزان ایرلند شمالی و سایر خلقهای جهان گشته، افزوده میشود و تمامی ماهیت زشت و نفرت‌انگیز امپریالیسم ددمنش را به نمایش می‌گذارد.

مردم سراسر جهان، در عین حال که در برابر پایداری قهرمانانه بابی سندز در مقابل زور و ستم سر تعظیم و ستایش فرود می‌آورند، به ترویج و ریاکاری سیاست امپریالیستی بیش از پیش آگاه میشوند. ما و گارت تاجر نخست‌وزیر انگلیس، مبارزان ایرلند شمالی را، که در راه استقلال و کسب حقوق و آزادی ملی خود مبارزه میکنند، «اقلیت تروریست» جدا از مردم می‌نامد و میخواهد به زور ارتش اشغالی آنها را سرکوب کند. رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا، جنبشهای رهایی‌بخش خلقها در مناطق مختلف جهان را «تروریسم بین‌المللی» می‌نامد و علیه این جنبشها اعلان جنگ میدهد. بدین ترتیب امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جهانخواه آمریکا، مخالفت و ستیزه‌جویی خود را با همه خلقهایی که در راه رهایی از بندهای نواستعماری و وابستگی امپریالیستی بیاخته و بخاطر حقوق ملی و استقلال و آزادی میهن خود مبارزه میکنند، اعلام کرده است و سرکوب این خلقها را با نیروی نظامی از حقوق و وظایف خود میداند.

اما مرگ فاجعه آمیز بابی سندز، مبارز ایرلندی، در واقع عکس این ادعای تاجر و ریگان را در مورد جنبشهای رهایی‌بخش خلقها به اثبات رسانید و نشان داد که این دول امپریالیستی هستند که سیاست تروریستی و آدمکشی را نسبت به مبارزان راه استقلال و آزادی در پیش گرفته‌اند. در تاریخ مبارزات رهایی‌بخش خلقهای جهان، نمونه‌های تکانه‌دهنده فراوانی از عملیات تروریستی و کشتارهای دسته‌جمعی میهن‌دوستان از جانب امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی و رژیم‌های دست‌نشانده آنها وجود دارد.

از جمله سیاست دولت آمریکا و دیگر دول امپریالیستی از همان آغاز اوجگیری جنبش انقلابی در میهن ما و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ما سیاست توطئه، تجاوز و ترور و آدمکشی بوده است. ولی اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر جاسوسخانه آمریکا، که بازتابی از خشم و نفرت عمیق مردم میهن ما نسبت به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما بود، از جانب مقامات رسمی آمریکا يك اقدام «تروریستی» نامیده شد!

ریگان، پس از احراز مقام ریاست جمهوری آمریکا، طی يك مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که آمریکا نمی‌بایست برای آزادی «گروگانها» مذاکره میکرد، بلکه می‌بایست «اولتیماتوم» میداد. ریگان گفت که بازداشت «گروگانها» يك «اقدام جنگی» بوده و «گروگان» گیرها «آدم‌ریا» هستند؛ دیگر مقامات رسمی آمریکا نیز دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را «تروریست» نامیدند. و این درست در حالی بود که امپریالیسم آمریکا در تجاوز نظامی طیس و توطئه کودتای نوزده علیه جمهوری اسلامی ایران، کشتار جمعی میلیونها نفر از هم‌میهنان ما را طرح‌ریزی کرده بود، یعنی تجاوز و توطئه‌ای که در واقع طرح عملیات تروریستی در سطح سیاست رسمی دولت آمریکا بود.

مرگ فاجعه آمیز بابی سندز، مبارز ایرلندی، تأییدی بر این واقعیت است که سیاست دول امپریالیستی در رویارویی با مبارزات حق طلبانه خلقها سیاست تروریستی و آدم‌کشی است و هر کجا که خلقها به مبارزه در راه رهایی از بندهای استعماری و نواستعماری امپریالیستی و بخاطر کسب استقلال ملی برمیخیزند، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، چهره کریه و ضدانسانی خود را از پرده برون می‌آورد و ددمنشانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و ترور را بکار می‌بندد.

## گفتگوهای ایندیپندنت گاندی و رهبران کویت درباره اوضاع منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند

در کویت، گفتگو میان رهبران این کشور و خانم ایندیپندنت گاندی، نخست‌وزیر هند، که از کویت دیدار میکند، آغاز گشت. در این دیدار رسمی، که سه روز طول خواهد کشید، مسائل حاد بین‌المللی بررسی خواهد شد. در این زمینه، کوشش برای تشویش در خلیج فارس و اقیانوس هند نقش ویژه خواهد داشت. در ماههای اخیر، فعالیت نظامی ایالات متحده آمریکا به وخامت اوضاع در این منطقه انجامیده است. به گزارش «آسوشیتدپرس»، پیشنهادهای سازنده لئونید برژنف درباره عادی‌سازی اوضاع در خلیج فارس یکی از مهمترین مسائل مورد بحث خواهد بود.

## اثریقای جنوبی تجاوزی را علیه زیمبابوه تدارک می‌بیند

بگفته وزیر کشور زیمبابوه، نژادپرستان آفریقای جنوبی تجاوزی را علیه زیمبابوه تدارک می‌بینند. وی که در کنفرانس مطبوعاتی در سالیسبوری شرکت میکرد، گفت: «پیشاهنگ تجاوزکاران، ۵۰۰۰ مزدور خواهند بود، که اکنون در اردوگاههای ویژه در آفریقای جنوبی آموزش می‌بینند». وزیر کشور زیمبابوه یادآور شد که: «رژیم آپارتاید، با برخورداری از پشتیبانی وسیع ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی، به ثبات‌زدایی، نه تنها در زیمبابوه، بلکه همچنین در آنکولا، موزامبیک و زامبیا کوشش می‌ورزد».

## انگیزه عمده استراتژی امپریالیستی واشینگتن سیادت نظامی بر مناطق ثروت خیز است

«پراودا»، در مقاله مهمی که در روز ۲۰ اردیبهشت ۶۰ چاپ کرد، نوشته است که: «انگیزه عمده استراتژی امپریالیستی ایالات متحده آمریکا، میل «واشینگتن» به سیادت نظامی بر بهترین منابع مواد خام و انرژی در جهان است. ایالات متحده، می‌اندیشد که، از اینراه، آسانتر خواهد توانست از راه خود را بر دیگر کشورها تحمیل کند و رهبری خویش را در جهان سرمایه‌داری تحکیم بخشد».

بنوشته «پراودا»، «این پدیده را همچنین در سیاست جهانی سازشکارانه با آفریقای جنوبی میتوان مشاهده کرد، که، از نظر منابع مواد خام استراتژیک، کشوری غنی است».

«پراودا» می‌افزاید: «همین مقاصد انگیزه تمرکز نیروهای دریایی «واشینگتن» در منطقه ثروت‌خیز خلیج فارس و تشکیل «سپاه واکنش سریع» بوده است».



**دانشجویان صد کشور رشد یابنده جهان در کشورهای سوسیالیستی بطور رایگان تحصیل می‌کنند**

در سالهای هفتاد، کمک فرهنگی کشورهای شوروی همیاری اقتصادی به کشورهای رشدیابنده دو برابر شد. اکنون ۴۳ هزار دختر و پس جوان از صد کشور رشدیابنده جهان بطور رایگان در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی اتحاد شوروی، لهستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان به تحصیل مشغولند.

## انتقاد شدید رهبران قبیله‌های سرخپوست از دولت ریگان

در ایالات متحده آمریکا، رهبران بیش از ۱۵۰ قبیله سرخپوست از دولت ریگان انتقاد شدید کرده‌اند، که حقوق مردم بومی این کشور را نادیده می‌گیرد.

رهبران قبایل سرخپوست، در يك گردهمایی در واشینگتن، تهدید کردند که چنانچه دولت آمریکا کماکان به نقض حقوق آنان ادامه دهد، به دادگاه بین‌المللی لاهه یا سازمان ملل متحد شکایت خواهند برد.

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)  
چاپ: کاویان

**NAMEH MARDOM**  
No. 509  
11 May 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران